

تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه

دکتر حامد نوروزی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

دکتر کلثوم قربانی جویباری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

چکیده

مهاجرت عربها به ایران از قرن اول اسلامی آغاز شد. در آن زمان طوایف متعددی از مناطق مختلف عراق و عربستان به ایران مهاجرت کردند و در مناطق گوناگون ایران سکنی گزیدند. یکی از مناطق مطلوب آنان جنوب خراسان بود. از آن زمان تا کنون اقوام عرب‌زبان مختلفی در ناحیه‌ای با عنوان عربخانه، که در تقسیمات جدید کشوری دهستانی از توابع شهرستان نهبندان به شمار می‌رود، ساکن هستند. زبان این اقوام به نسبت بقیه اعراب ساکن در خراسان دست‌نخورده‌تر مانده است؛ اما با این حال عناصر فراوانی از فارسی به آن راه یافته است. یکی از مهمترین تأثیرهای زبان فارسی بر گویش عربی عربخانه، ورود ساختهای مختلف فعل اسنادی به آن است. در این مقاله نگارندگان بر اساس پژوهشهای میدانی در یکی آبادی خسروآباد از توابع دهستان عربخانه میزان تأثیر ساخت اسنادی فارسی را بر گویش عربی این منطقه بررسی کرده‌اند. در نهایت می‌توان گفت به صورت کلی چهار نوع ساخت اسنادی در این گویش مشاهده شد: ۱. فعل اسنادی فارسی ۲. ضمیر منفصل جانشین فعل اسنادی فارسی ۳. ترکیب فعل اسنادی فارسی و فعل عربی ۴. فعل «کان» عربی (با انواعی از تحولات آوایی). از این میان گونه‌های ۱ و ۳ مستقیماً تحت تأثیر ساخت اسنادی و با استفاده از فعل اسنادی «است» فارسی اما با تلفظ /est/ ساخته شده است. در گونه‌های ۲ و ۴ نیز گرچه فعل-واژه عربی است، تأثیر نحو فارسی بر آن غیر قابل انکار است. این چهار نوع ساخت تنها در ساختمان افعال مثبت مشاهده می‌شود و در افعال منفی تنها از فعل عربی «کان» (با انواعی از تحولات آوایی) استفاده می‌شود.

کلیدواژه: گویش عربی، فعل اسنادی، تأثیر ساخت، عربخانه، خسروآباد.



مقدمه

در جنوب شهرستان بیرجند، بخش نهبندان، اقوام عرب‌زبانی سکونت دارند که دقیقاً روشن نیست از چه زمانی به این ناحیه کوچانده شده یا کوچیده اند. افزون بر این، اقوام عرب‌زبان دیگری نیز در شرق شهرستان بیرجند، بخش درمیان و شمال و شمال شرقی قاین، خذری (خضری / خذری) (دشت بیاض) و اطراف بزن آباد زیرکوه ساکن هستند. تاریخ مهاجرت این عربها نیز مانند دسته اول روشن نیست؛ اما این رویداد قطعاً در دوره اسلامی رخ داده و بویژه از زمانی آغاز شده است که عربهای مسلمان، خراسان را فتح کرده‌اند. برخی از مورخان، فتح خراسان را ذیل حوادث سال ۲۲ هـ ق و در زمان خلافت عمر بن خطاب و برخی نیز ذیل حوادث سال ۲۹ هـ ق و در زمان خلافت عثمان بن عفان ذکر کرده‌اند (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۸ و علی، ۱۳۸۷: ۸۴). به هر حال با فتح خراسان، مهاجرت عربها به این نواحی آغاز شد. البته برخی از پژوهشگران، سابقه مهاجرت پراکنده اعراب را به ایران به پیش از اسلام بازمی‌گردانند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۴)؛ حتی اگر این ادعا نیز مورد قبول واقع شود، باید پذیرفت مطابق اسناد تاریخی، اولین مهاجرت بزرگ عربها به خراسان در سال ۵۲ هـ ق و در زمان زیاد بن ابی سفیان روی داد (بلاذری، ۱۳۶۴: ۱۶۵). عده زیادی از عربها نیز به رهبری خازم بن خزیمه تمیمی در زمان منصور عباسی و برای سرکوب شورش استادسیس به خراسان فرستاده شدند (میرنیا، ۱۳۶۹: ۱۵۱). عده‌ای از عربها نیز در زمان نادرشاه افشار از بندرهای جنوبی ایران توسط طهماسب قلی خان جلایر به خراسان کوچانده شدند (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۲۳۰). با توجه به این مطالب، می‌توان دو دیدگاه مختلف را درباره تاریخ ورود عربها به جنوب خراسان در میان پژوهشگران شناسایی کرد. عده‌ای معتقدند عربهای جنوب خراسان بازمانده عربهایی هستند که در صدر اسلام بویژه از قبیله بنی تمیم به جنوب خراسان کوچیده‌اند و این ادعا را با دلایل زبانشناختی و مذهبی نیز مستدل کرده‌اند (Dahlgenn, 2005: 161 و عباسی، ۱۳۷۷: ۳۱ تا ۳۵ و سیدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۲). نتایجی که این پژوهشگران به دست آورده‌اند با نتایج پژوهشهای یاسترو (Jastrow, 1996: 95-98) نیز قابل مقایسه است؛ زیرا وی با بررسی گویشهای عربی عربهای ازبکستان و تطبیق آن با گویشهای عربی عراق به این نتیجه رسید که این گویشها از یک ریشه است و حتی این

منشأ مشترک را به پیش از انشعاب این نوع عربی به قلتو (qeltu) و گِلت (gelet) بازگرداند (Ibid, 2014: 207)؛ اما عده‌ای نیز عربهای جنوب خراسان را همان عربهای خوزستان می‌دانند که در زمان نادرشاه به این نواحی کوچانده شده‌اند (ر.ک.: آیتی، ۱۳۷۱: ۲۷). نظر دوم امروزه تقریباً میان زبانشناسان عربی طرفداری ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت با توجه به موقعیت جغرافیایی و بُعد مسافت، این اعراب پس از مهاجرت حدوداً هزارساله خود با منشأ اصلی خود ارتباط چندانی نداشته‌اند و همین امر سبب اهمیت فراوان این گویشها است (Jastrow, 1996: 95)؛ زیرا فارغ از اینکه اقوام عرب از چه زمانی به جنوب خراسان آمده‌اند و ریشه آنها به کجا بازمی‌گردد، مسلم است که این اقوام قرن‌هاست در جنوب خراسان ساکن هستند. به همین دلیل از یکسو برخی ویژگیهای زبان عربی کهن را در خود نگه داشته‌اند و از سوی دیگر زبان و فرهنگ آنان در تماس مستقیم با فارسی قرار گرفته است. در چنین محیط زبانی^۱ بکری، بی‌تردید رویدادهای زبانی (linguistic events) نیز به وقوع می‌پیوندد؛ به همین دلیل لازم است که پژوهشهای گسترده‌ای درباره زبان آنان آغاز شود؛ چراکه می‌توان پدیده‌های زبانی^۲ متعددی را، که در چنین محیط‌هایی قابل پیش‌بینی است، به آزمون گذاشت. شاید نکته مهمتر این باشد که با توجه به غلبه و گسترش رسانه‌های جمعی و شدت‌گیری روند مهاجرت، زبان این عربها بسرعت رو به فارسی‌زدگی است؛ با وجود این، تعداد پژوهشهای متمرکز بر زبان و فرهنگ این اقوام، تا کنون به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد در صورتی که درباره محیط‌های مشابه عربخانه، که در خارج از ایران امروز هستند، پژوهشهای بسیار درخوری، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی به انجام رسیده است؛ مانند پژوهش درباره گویشهای عربی افغانستان، ازبکستان و نواحی مشابه؛ برای نمونه‌ای کوچک می‌توان به ۷۴ مقاله‌ای که درباره گویشهای عربی خارج از شبه‌جزیره در *دستنامه بین‌المللی زبانهای سامی* (Weninger, 2011) اشاره کرد که در آن حتی یک مقاله درباره گویش عربی عربخانه نیست. از این دست منابع می‌توان نمونه‌های فراوان دیگری نیز ذکر کرد. امید است این مقاله آغاز معرفی این گویش به جامعه علمی ایران و خارج از ایران باشد.



عربخانه، موقعیت جغرافیایی، طوایف و زبان

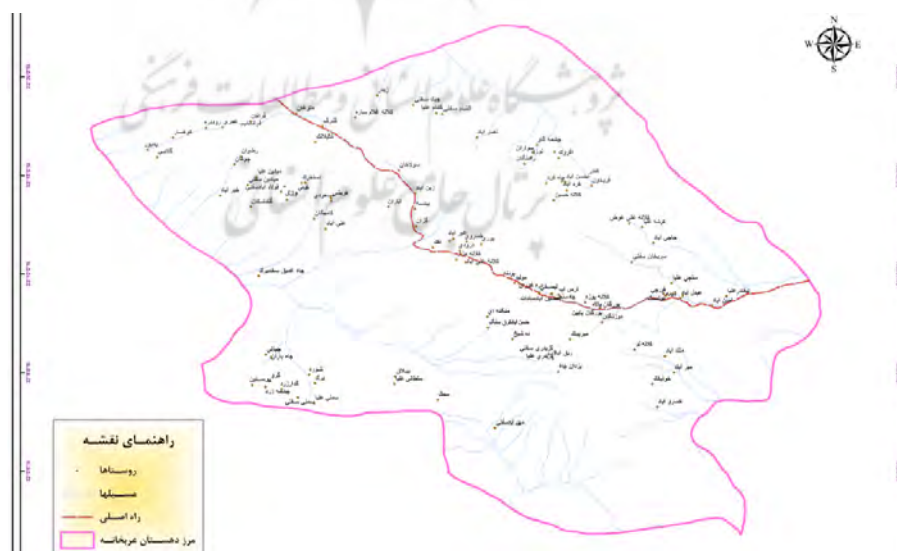
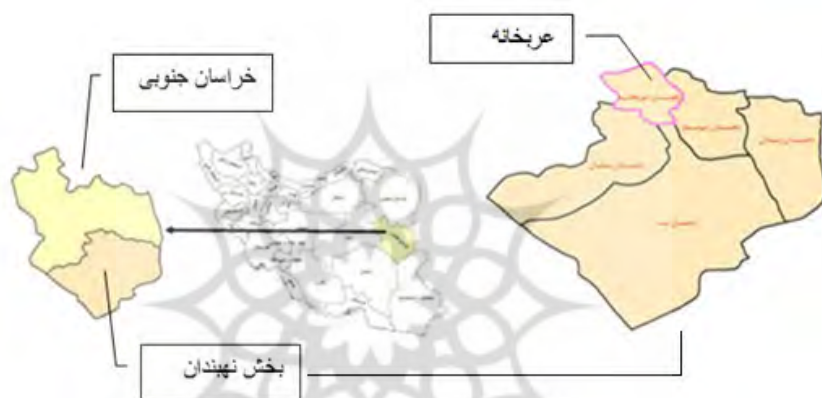
منطقه عربخانه در جنوب بیرجند، کیلومتر ۱۳۰ جاده زاهدان و در شمال نهبندان واقع شده است. امروزه عربخانه یکی از دهستانهای بخش شوسف، شهرستان نهبندان است که در حدود (۲۸۱۱) کیلومتر مربع وسعت دارد. این دهستان از شمال و شمال غربی به شهرستان بیرجند، از جنوب به دهستان میغان و از شرق به دهستان شوسف محدود می‌شود. مطابق آخرین داده‌های مرکز آمار ایران (مرجع: <http://www.amar.org.ir>) این دهستان شامل ۸۴ آبادی کوچک و بزرگ می‌شود؛ اما در منابع غیررسمی تعداد این آبادیها را تا ۱۱۰ و حتی بیش از ۴۰۰ نیز گزارش کرده‌اند. مطابق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران (<http://www.sci.org.ir>)، جمعیت ساکن در دهستان عربخانه ۵۳۴۱ نفر گزارش شده است؛ اما در منابع غیررسمی جمعیت ساکن و غیر ساکن آن حدود ۷۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود. این جمعیت از طوایف متعدد عرب تشکیل می‌شود که برخی از آنها عبارتند از: عربهای خزیمه (xuzayma)، خزاعی (xazā'i)، زنگویی (zanguyi)، شبیانی (šaybāni)، عامری (āmeri)، میش مست (miš-mast)، نخعی (naxa'i) و سادات نوربخشیه (nur-baxšiya).

با توجه به آنچه ذکر شد، روشن است که امروزه عربهای جنوب خراسان از نظر زبانی و قومی مجموعه‌ای یکدست و همگن را شکل نمی‌دهند. گویش عربی شرق شهرستان بیرجند (درمیان)، که در روستاهای اندکی به آن صحبت می‌شود (سراب، محمدیه و جز آن) با گویشهای مناطق جنوب شهر بیرجند (نهبندان)، که روستاهای متعددی را شامل می‌شود، متفاوت است. هر یک از گویشهای شرقی و جنوبی نیز خود به شاخه‌هایی تقسیم می‌شود و این امر در گویشهای جنوبی با توجه به پراکندگی بیشتر جمعیتی و تعدد کاربران بیشتر است.

با توجه به این امر، نگارندگان در این مقاله پژوهشهای میدانی خود را بر یکی از آبادیهای دهستان عربخانه یعنی خسروآباد، متمرکز کرده‌اند. خسروآباد در فاصله حدوداً ۴۰ کیلومتری شمال شرقی شوسف قرار گرفته است و از توابع همین بخش نیز به شمار می‌رود. جمعیت ساکن در آن مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ حدود ۹۰ نفر اعلام شده است (<http://www.sci.org.ir>) که احتمالاً در

تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه

آینده‌ای نزدیک مانند بسیاری از روستاهای دیگر نواحی کویری ایران خالی از سکنه خواهد شد. برای روشن شدن بیشتر مطلب، موقعیت جغرافیایی عربخانه در ایران - خراسان جنوبی - نهبندان در نقشه‌های زیر نشان داده شده است:



طرح مسئله

همان گونه که در اغلب کتابهای دستور زبان عربی سنتی و جدید آمده و دیدگاه غالب دانشمندان نحو بر آن قرار گرفته است (در ادامه مقاله برخی از این دیدگاه‌ها بیان خواهد شد)، «زبان عربی در زمان مضارع^۳ فعل اسنادی^۴ ندارد» (Watson, 2011: 877)؛ بدین معنی که در زبان عربی فعلی معادل «است/ هست» فارسی نیست و اصطلاحاً زبان عربی در زمان مضارع دارای فعل اسنادی صفر^۵ است. البته در زمان ماضی^۶، زمان مضارع منفی^۷ و وجه امری^۸ گونه‌هایی از فعل اسنادی، که با ریشه‌های فعلی «کان، صار، لیس» ساخته می‌شود، در زبان عربی گزارش شده است (Ben-Mamoun, 2000: 39-43). اما در گویش عربی منطقه عربخانه شاهد این پدیده زبانی هستیم که فعلهای اسنادی با ساختهای مختلف و از ریشه‌های فعلی^۹ مختلف در زمان مضارع به کار می‌رود. به عقیده نگارندگان، برخی از این افعال در این گویش بی‌تردید تحت تأثیر زبان فارسی شکل گرفته و ساخت آنها نیز مطابق الگوی فعل اسنادی در فارسی است. علاوه بر کاربرد فعل اسنادی به نظر می‌رسد ساخت جمله اسنادی^{۱۰} فارسی نیز بر ساخت جمله^{۱۱} در این گویش عربی تأثیرگذار است. البته لازم است یادآوری شود تأثیر ساخت جمله فارسی بر ساخت جمله در این گویش، مختص جمله‌های اسنادی نیست؛ بلکه ساخت تمامی انواع جمله (در این مورد ر.ک.: حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷؛ افراشی، ۱۳۸۹: ۱۳۷ تا ۱۵۸؛ ماهوتیان، ۱۳۹۰: ۱۸) در گویش عربی عربخانه تحت تأثیر فارسی قرار گرفته (Gazsi, 2011: 1015-1022) که خود موضوع تحقیق مستقلی است. در این مقاله، نگارندگان در پی این هستند که تأثیر فعل اسنادی فارسی را بر مقولات فعلی^{۱۲} گویش عربی عربخانه بررسی کنند. بخشی از این موضوع، که درباره دستگاه جنس^{۱۳} و شمار^{۱۴} در شناسه‌های^{۱۵} زبان فارسی و عربی است در حوزه صرف^{۱۶} و بخشی از آن، که به ساخت جمله و ترتیب اجزای^{۱۷} آن بازمی‌گردد در حوزه نحو^{۱۸} بررسی می‌شود. گرچه هم صرف و هم نحو، جزء سطوح^{۱۹} بسیار سخت هر زبان است که به دشواری تغییر می‌کند یا تحت تأثیر زبان دیگر قرار می‌گیرد؛ اما در این مقاله خواهیم دید که در گویش عربخانه چنین اتفاقی رخ داده است. این امر نشانه‌ای از تأثیر بسیار شدید زبان فارسی بر این گویش عربی است.

پیشینه پژوهش

درباره گویش عربخانه پژوهشهای بسیار اندکی چه در ایران و چه در خارج از ایران انجام شده است. از پژوهشهای فارسی در مجموع می‌توان به مقاله عباسی (۱۳۷۷)، پایان‌نامه آموزگار (۱۳۸۰)، مقاله مستخرج از پایان‌نامه همو (۱۳۸۷)، مقاله سیدی و دیگران (۱۳۸۷) و کتاب کاظمی (۱۳۹۳) اشاره کرد. اغلب این منابع توضیحاتی درباره تاریخچه، تقسیمات نژادی و طایفه‌ای و نهایتاً آداب و رسوم عربهای ساکن جنوب خراسان داده‌اند. در پایان‌نامه آموزگار (۱۳۸۰) و مقاله سیدی (۱۳۸۷) بیش از سایر منابع به پژوهشهای زبانی پرداخته شده است. در حد جستجوهای نگارنده در خارج از ایران نیز مقاله‌های اندکی در معرفی و بررسی این گویش انجام شده است که می‌توان به (Dahlgenn, 2005) و داده‌های (Seeger, 2002) اشاره کرد. در مورد وجود فعل اسنادی در گویشهای مختلف عربی بویژه خارج از شبه‌جزیره، تحقیقات قابل توجهی هست که از آن جمله می‌توان به (Jastrow, 2014)، (Jastrow, 1995)، (Watson, 2011)، (Ingham, 2006) و (Abu-Haidar, 1991) اشاره کرد؛ اما در هیچ یک از این مقالات به وجود فعل اسنادی در گویش عربخانه و اصولاً تحلیل ساختاری فعل اسنادی پرداخته نشده است.

جمله و فعل اسنادی در فارسی و عربی معیار

دستورنویسان زبان فارسی، جمله را با شیوه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند (برای نمونه ر.ک.: حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷ و ۱۸۲؛ افراشی، ۱۳۸۹: ۱۳۷؛ وحیدیان کامیار، ۱۳۸۴: ۸؛ ناتل خانلری، ۱۳۶۳: ۲۱۷؛ همایونفرخ، ۱۳۶۴: ۹۹۲) که به دلایل متعدد هیچ کدام جامع و مانع نیست. در زبان عربی نیز تعریف جمله از فارسی کاملتر نیست (ر.ک.: سیدی، ۱۳۸۷: ۳۱۷). بنابراین در این مقاله، جمله را مطابق معنای عرفی و ذهنی آن بزرگ‌ترین سازه زبانی (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۴) در نظر می‌گیریم که از مجموعه کلمات آن روی هم، معنای کاملی در ذهن مخاطب ایجاد شود (نحله، ۱۹۸۸: ۱۱ و حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷). جمله اسنادی فارسی، یکی از انواع جمله ساده در این زبان به شمار می‌رود. جمله ساده با عنوانهای متعدد دیگری مانند بسیط، آزاد، مادر، مستقل و کامل نیز خوانده شده است (مهیار، ۱۳۷۶: ۷۹)؛ اما در کل مراد ما از جمله ساده، جمله‌ای است که در آن جمله‌واره یا جمله وابسته نباشد و فقط دارای یک فعل اسنادی یا غیر اسنادی باشد



(همان). بنابراین از همان آغاز می‌توان جمله ساده را به دو نوع تقسیم کرد که در این مقاله تنها نوع اسنادی آن بررسی خواهد شد.

جمله اسنادی، که به آن جمله ربطی و به غلط جمله اسمیه نیز گفته می‌شود، جمله‌ای است که فعل آن ربطی باشد و در آن حالتی یا صفتی را به اسمی یا ضمیری نسبت دهند (همان، ۸۴). مشهور است که در زبانهای هند و اروپایی و تمام زبانهای سامی، جمله اسنادی یا همان اسمیه هست با این تفاوت که در زبانهای هند و اروپایی، مسند به مسندالیه با رابطه‌ای ارتباط داده می‌شود و در زبانهای سامی از این رابطه خبری نیست (سیدی، ۱۳۸۷: ۳۱۸)؛ برای مثال اگر بخواهیم در زبان فارسی «مسافر» (مسند) را به «او» (مسندالیه) در زمان مضارع نسبت دهیم، لازم است که در انتهای جمله، فعل اسنادی «است» و نظایر آن را ذکر، و جمله را بدین صورت کامل کنیم: «او مسافر است». اما در زبان عربی تنها با ذکر مسندالیه و مسند جمله کامل می‌شود: «هُوَ مُسَافِرٌ» و بدین ترتیب به ذکر فعل اسنادی نیازی نیست (حلیمی، ۱۹۹۳: ۷۹).

در اینجا برخی از متخصصان نحو عربی، برخی عناصر زبانی^{۲۰} را به عنوان نظیر و مشابهی برای فعل اسنادی فارسی ذکر کرده‌اند؛ برای مثال آذرنوش (۱۳۷۰، ج ۱: ۲۰) در این باره می‌نویسد: «رابطه [= فعل اسنادی] ظاهراً در جمله عربی نیست؛ اما در واقع به کمک بازی اعراب است که آن رابطه در جمله عربی واقعیت می‌یابد؛ گویی تنوین^{۲۱} است که مقابل رابطه فارسی (= است) نشسته است». از سوی دیگر برخی از افعال عموم یا افعال ناقص نظیر «کان، صار و لیس»، که به مرفوع (مسندالیه) بسنده نمی‌کند و به منصوب (مسند) نیاز دارد در نوع جمله اسمیه تأثیری نمی‌گذارد (شرتونی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۰۹)؛ به همین سبب کسانی مانند عبدالقاهر جرجانی (۱۳۸۰: ۱۳)، جمله‌هایی را که با افعال ناقص، نظیر «لیس و صار» ساخته شده در جمله‌های اسمیه - اسنادی آورده است.^{۲۱} آذرنوش (همان، ۲۸) در این باره می‌نویسد: «اگر زبان عربی چیزی در مقابل «است» فارسی ندارد در عوض برای بیان «نیست» از کلمه «لَیس» استفاده می‌کند ... فعل «بودن» عربی (= کان) در زمانهای مضارع و آینده صرف می‌شود، اما مضارع آن هیچ گاه به جای «است» فارسی به کار نمی‌رود. جمله «أحمدٌ یكونُ طالباً» جمله درستی است و ممکن است در مواردی خاص به کار آید؛ اما ترجمه خوبی برای جمله فارسی «احمد دانشجو است» نیست؛ گویی تنوین در بیشتر

احوال جایگزین «است» می‌گردد. در عوض برای ماضی ساختن جمله‌های اسمی، آنها را با «کان» ترکیب می‌کنیم» آذرنوش (۱۳۷۰، ج ۲: ۵۶). در ج دوم اثر خود نیز آورده است: «گویی افعال ناقص (أصْبَحَ، کان و جز آن) نقش اصلی خود را از دست داده و برای ایجاد رابطه‌ای مخصوص (که همانا بودن و شدن) است، میان نهاد و گزاره به کار می‌رود». طیبیان (۱۳۸۷: ۱۶۳) نیز به این مطلب اشاره می‌کند که «کان»، «صار» و «لیس» تقریباً معادل فعل ربطی فارسی است. البته برخی از محققان نیز بکلی این مشابهت را رد می‌کنند و با آن مخالف هستند (ر.ک.: حلیمی، ۱۹۹۳: ۱۱۰).

البته باید توجه کرد که با وجود شباهت معنایی که میان برخی افعال ناقص (کَانَ، صَارَ و لَیْسَ) با فعل «بود، شد و نیست» فارسی وجود دارد، جایگاه قرار گرفتن این افعال و آرایش واژگانی^{۲۲} جمله‌های متناظر آنها در زبان عربی با زبان فارسی کاملاً متفاوت است؛ چرا که این گونه افعال اغلب در ابتدای جمله (صار الحق باطلاً، کان الله عزیزاً) و گاهی پس از مبتدا (أحمدٌ یكونُ طالباً) می‌آید؛ اما افعال اسنادی فارسی اغلب در انتهای جمله ذکر می‌شود (حق، باطل شد؛ خداوند عزیز است).

جمله اسنادی و فعل اسنادی در عربی گویشی (غیر معیار)

همان گونه که پیش از این نیز بیان شد، عربی معیار، زبانی شناخته می‌شود که بدون فعل اسنادی، جمله اسنادی می‌سازد و به این دلیل نظر بسیاری از نحوین زایشی^{۲۳} را به خود جلب کرده است؛ اما این قاعده در مورد گویشهای مختلف عربی، که غیرمعیار به شمار می‌رود، صدق نمی‌کند؛ چراکه در برخی از گویشهای عربی، برای مثال گویش قلتو در تاجیکستان، برخی گویشهای عربی در افغانستان و حتی گویش بغدادی مسیحی^{۲۴} گونه‌هایی از فعل اسنادی گزارش شده است. به گفته واتسون (Watson, 2011: 877) در همه این موارد می‌توان تأثیرپذیری از زبانهای همسایه، یعنی ترکی، کردی و فارسی را مشاهده کرد. این زبانها همگی فعل اسنادی پایانی^{۲۵} دارند؛ به همین دلیل در اغلب این گویشهای عربی نیز فعل اسنادی پس از گزاره/مسند^{۲۶} نقل می‌شود؛ اما در برخی از گویشها مانند گویش سیرت در آناتولی^{۲۷} فعل اسنادی بر گزاره/مسند مقدم می‌شود (Jastrow, 2006: 89):

ū-we fā-l-bayt

او در خانه است



در برخی از گویش‌ها فعل اسنادی به صورت اختیاری به کار می‌رود؛ برای مثال در گویش عربی مسیحی بغداد کاربرد فعل اسنادی اجباری نیست و می‌توان جمله اسنادی را به دو صورت تولید کرد. در صورتی که فعل اسنادی به کار رود بر گزاره/ مسند تأکید بیشتری وجود دارد (Abu-Haidar, 1991: 122):

۱	۲	او (مؤنث) (حقیقتاً) زیبا (است).
həyyi həlwi	həyyi həlwi yāha	
		تو (مذکر) (حقیقتاً) باهوش (هستی).
ənta šātəy	ənta šātəy yāk	

در برخی از گویش‌ها فعل اسنادی به پی‌چسب (encliticize) تبدیل می‌شود؛ برای مثال در گویش افغانی (Ingham, 2006: 33):

ism-ak iš-wa?	اسمت چه است؟
ana afyōn-inni.	من افغان هستم.
	و در گویش مردین (Mardin) و ازبکی (Jastrow, 2015: 185):
fə-l-bayt-we	[او] در خانه است.
hint mīn-inak?	تو که هستی؟

در داده‌هایی نیز، که سیگر از گویش عربی عربخانه جمع‌آوری کرده است (Seeger, 2002: 629-646) چند نمونه از افعال اسنادی به چشم می‌خورد؛ برای مثال:

(uhū) mašyūl hū.	او (مذکر) مشغول است.
(inte) mašyūl haθti.	تو (مؤنث) مشغول هستی.
(intu) miθalmān haθtin.	شما (مذکر) مسلمان هستید.

البته وی بدون هیچ گونه تحلیلی، داده‌های مختلفی را از گویش‌های مختلف گردآورده و در هم آمیخته است. نمونه‌های یاد شده از یکی از چند گویش عربخانه استخراج شده است.

بنابراین روشن است که در برخی از گویش‌های عربی نقاط مختلف فعل اسنادی از زبان‌های همسایه به زبان عربی راه یافته است. در بخش‌های بعدی این مقاله به بررسی انواع مختلف فعل اسنادی در یکی از گویش‌های عربی عربخانه خواهیم پرداخت.

پیش از بررسی موردی ساختمان هر یک از این افعال لازم است توضیحی مختصر درباره ساختمان فعل در این گویش و دستگاه‌های فعال در آن ارائه شود؛ چرا که این

دستگاه‌ها در گویش عربخانه با گویش معیار عربی (عربی معیار یا قریشی) تفاوت‌هایی دارد. به نظر می‌رسد اغلب این تفاوتها تحت تأثیر زبان فارسی در این گویش به وجود آمده است.

دستگاه‌های فعال در ساختمان فعلی گویش عربی عربخانه

دستگاه‌های فعال در ساختمان فعل عربی معیار عبارت است از دستگاه شمار (مفرد، مثنی، جمع)، دستگاه جنس (مذکر، مؤنث)، دستگاه وجه^{۲۸} (اخباری، التزامی (شرطی)، امری)، دستگاه زمان^{۲۹} (ماضی، مضارع، مستقبل)، دستگاه جهت^{۳۰} (لازم، متعدی). بر اساس این دستگاه‌ها، صیغه‌گان صرفی^{۳۱} شکل می‌گیرد که در عربی معیار ۱۴ صیغه است. اما در گویش عربی عربخانه این تعداد به ده صیغه در وجه اخباری کاهش می‌یابد. مهمترین عامل کاهش صیغه‌گان در گویش عربخانه از بین رفتن شمار مثنی^{۳۲} در این گویش است که به احتمال زیاد تحت تأثیر فارسی بوده است. تأثیر زبان فارسی بر صیغه‌گان وجه امری در گویش عربی عربخانه بسیار بیشتر است به گونه‌ای که صیغه‌گان امر چهارده‌گانه عربی معیار به چهار صیغه کاهش می‌یابد. این صیغه‌گان مانند فارسی تنها برای امر مخاطب به کار می‌روند و امر غایب و متکلم در این گویش، شکل خاصی ندارد و به وجه التزامی شبیه است (آموزگار، ۱۳۸۰: ۱۹۴)؛ بنابراین می‌توان نمودار مقایسه‌ای زیر را برای نشان دادن تفاوت صیغه‌گان عربی معیار و عربخانه ترسیم کرد:

صیغه‌گان	عربی معیار		عربی عربخانه	
	وجه	وجه	وجه اخباری	وجه
مفرد	+	+	+	-
	+	+	+	+
	+	+	+	+
	+	+	+	-
	+	+	+	-
مثنی	+	+	-	-
	+	+	-	-
	+	+	-	-

-	-	+	+	سوم شخص مثنای مؤنث	
-	+	+	+	اول شخص جمع (مذکر و	؟
+	+	+	+	دوم شخص جمع مذکر	
+	+	+	+	دوم شخص جمع مؤنث	
-	+	+	+	سوم شخص جمع مذکر	
-	+	+	+	سوم شخص جمع مؤنث	

همان گونه که از نمودار نیز برمی آید، دستگاه جنس همچنان در این گویش عربی فعال است و زبان فارسی بر آن تأثیر چندانی نگذاشته است. البته این امر تنها در دستگاه فعلی رخ داده و دستگاه‌های اسمی مسیر دیگری طی کرده است؛ افزون بر این دستگاه‌های وجه، زمان و جهت نیز در عربی معیار و عربخانه تفاوت‌هایی بویژه در زمینه ساختمان، دارد که خود موضوع مقاله مستقلی است و از آنجا که در این مقاله استفاده چندانی ندارد به آنها پرداخته نمی‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد به بررسی انواع فعل اسنادی در گویش عربی عربخانه می‌پردازیم. این بررسی بر اساس وجه افعال اسنادی در سه بخش اصلی فعل اسنادی خبری (مثبت و خبری منفی)، فعل اسنادی امری (مثبت و منفی (نهی)) و فعل اسنادی التزامی انجام می‌شود.

فعل اسنادی خبری

مثبت

برای ساخت فعل اسنادی خبری مثبت در گویش عربخانه از افعال اسنادی فارسی، ضمایر منفصل عربی و همین طور فعل «کان» عربی استفاده می‌شود. در ادامه مقاله به بررسی ساختمان این افعال پرداخته می‌شود.

۱. فعل اسنادی فارسی (زمان مضارع- اول و دوم شخص از مصدر هستیدن)

پیش از این بیان شد که در زبان عربی، جمله‌های اسنادی (اسمیه) تنها به مسندالیه (مبتدا، فاعل، نهاد) و مسند (خبر) نیاز دارد و بدون وجود فعل یا کلمه ربط یا اسناددهنده دیگری کاملاً مفهوم اسناد را منتقل می‌کند؛ اما در فارسی، جمله اسنادی،

بدون وجود فعل اسنادی شکل نمی‌گیرد؛ برای مثال می‌توان دو جمله هم‌معنی «أنا مُعَلِّمٌ» و «من معلم هستم» را با یکدیگر قیاس، و مشاهده کرد که در شکل فارسی، فعل رابط «هستم» اسناددهنده دو جزء پیشین است و در شکل عربی مسندالیه و مسند به رابط نیازی ندارد؛ اما در گویش مورد مطالعه یعنی گویش عربی عربخانه به پیروی از فارسی، جمله‌های اسنادی لزوماً با انواعی از افعال ربطی شکل می‌گیرد. یکی از پرکاربردترین انواع جمله‌های اسنادی گویش عربخانه، جمله‌هایی است که با افعال اسنادی فارسی نظیر «هست» ساخته می‌شوند. این گونه از فعل اسنادی در گویش عربخانه تنها در زمان مضارع و برای اول و دوم شخص و در معنای «هستیدن» به کار می‌رود. بنابراین صرف صیغه‌گان این گروه از افعال اسنادی گویش عربخانه به ترتیب زیر است:

عربی عربخانه	فارسی	صیغه‌گان
ana rejjel/emrayya hast	من مرد/ زن هستم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
enta rejjel hast	تو مرد هستی	دوم شخص مفرد مذکر
ente emrayya hast-ē	تو زن هستی	دوم شخص مفرد مؤنث
-	-	سوم شخص مفرد مذکر
-	-	سوم شخص مفرد مؤنث
eḥna rejjel/emrayyet hast-in	ما مرد/ زن هستیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
entow rejjel hast-in	شما مرد هستید	دوم شخص جمع مذکر
entan emrayyet hast-ēt	شما زن هستید	دوم شخص جمع مؤنث
-	-	سوم شخص جمع مذکر
-	-	سوم شخص جمع مؤنث

کاملاً روشن است که در این جمله‌ها افزون بر اینکه آرایش واژگانی کاملاً فارسی است، فعل ربطی فارسی نیز پیوند دهنده اجزای جمله است. تنها تفاوت چنین ساخت اسنادی با ساخت اسنادی فارسی در پایبند نبودن آن به کاربرد دقیق شناسه‌های صرفی است. در این گویش تنها صیغه‌های جمع و مصیغه دوم شخص مفرد مؤنث دارای شناسه صرفی است. شناسه‌های ē- (دوم شخص مفرد مؤنث)، -in (اول شخص جمع (مذکر و مؤنث) و دوم شخص جمع مذکر) و -ēt (دوم شخص جمع مؤنث) احتمالاً

گونه‌های تحول‌یافته شناسه‌های فارسی دوم شخص مفرد: *i*، اول شخص جمع: *im* و دوم شخص جمع: *id* است.

۲. ضمیر منفصل جانشین فعل اسنادی (هو، هی، هم، هن)

گونه دیگری از کاربرد رابطه در جمله‌های اسنادی گویش عربخانه، جانشینی یک ضمیر منفصل (فاعلی) به جای فعل اسنادی است؛ این گونه از افعال اسنادی تنها در مورد صیغه‌های سوم شخص مفرد و جمع به کار می‌رود؛ یعنی درست بر خلاف گونه قبلی؛ بدین ترتیب صیغه‌گان صرف شده این گونه از افعال اسنادی گویش عربخانه عبارت است از:

صیغه‌گان	فارسی	عربی عربخانه
اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)	-	-
دوم شخص مفرد مذکر	-	-
دوم شخص مفرد مؤنث	-	-
سوم شخص مفرد مذکر	او مرد است	<i>zâk rejjel hu</i>
سوم شخص مفرد مؤنث	او زن است	<i>zič emrayya hi</i>
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	-	-
دوم شخص جمع مذکر	-	-
دوم شخص جمع مؤنث	-	-
سوم شخص جمع مذکر	آنها مرد هستند	<i>zâlok rejjel hom</i>
سوم شخص جمع مؤنث	آنها زن هستند	<i>zâlanč emrayyet hen</i>

در این نمونه‌ها «هُوَ» /*hu*/ و «هی» /*hi*/ جانشین «هست» و «هُم» /*hom*/ و «هن» /*hen*/ جانشین «هستند» شده است. روشن است که «هو» و «هی» ضمیر منفصل سوم شخص مفرد مذکر و مؤنث است و چون از نظر شخص و شمار با «است» انطباق دارد به جای آن نشسته است؛ به همین ترتیب «هُم» و «هن» نیز ضمیر منفصل سوم شخص جمع مذکر و مؤنث است و از آنجا که با «هستند» انطباق دارد به جای آن نشسته است. اما باید توجه کرد ضمائر منفصل جانشین فعل اسنادی از نظر آوایی با ضمائر منفصل در نقش اصلی خودشان متفاوت است. برای روشن شدن مطلب جدول مقایسه‌ای ضمائر

منفصل در نقش فعل اسنادی و در نقش اصلی ضمیر آورده شده است:

عربی عربخانه		عربی معیار (قریشی)	شخص و شمار
در نقش فعل اسنادی	در نقش ضمیر		
-	انا /ana/	انا /ana/	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
-	انت /enta/	انت /anta/	دوم شخص مفرد مذکر
-	انتی /entey/	انتی /anti/	دوم شخص مفرد مؤنث
هو /hu/	اهو /ohow/	هو /huva/	سوم شخص مفرد مذکر
هی /hi/	اهی /ehey/	هی /hiya/	سوم شخص مفرد مؤنث
-	احنا /eḥnā/	نحن /naḥnu/	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
-	انتو /entow/	انتم /antum/	سوم شخص جمع مذکر
-	انتن /entan/	انتن /antunna/	دوم شخص جمع مؤنث
هم /hom/	اهم /ohom/	هم /hum/	سوم شخص جمع مذکر
هن /hen/	اهن /ehen/	هن /hunna/	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که ملاحظه می‌شود در گویش عربخانه، هنگامی که ضمائر منفصل در جایگاه و نقش ضمیر به کار می‌رود، دچار انواعی از تحولات آوایی می‌شود که آنها را از گویش عربی معیار متمایز و تا حدی دور می‌کند؛ اما هنگامی که همین ضمائر در جایگاه و نقش فعل به کار می‌رود، تحولات آوایی کمتری را می‌پذیرد و همان صورت عربی معیار را از خود نشان می‌دهد. این امر می‌تواند هم دلایل تاریخی داشته باشد و هم غیر تاریخی. از نظر تاریخی ممکن است این نوع کاربرد ضمائر به زمانی بسیار دور بازگردد که هنوز تحولات آوایی چندانی در این گویش ظهور نکرده بود؛ به همین دلیل

ضمایر منفصل در نقش فعل مسیر تحول دگرگونه‌ای از ضمیر منفصل در نقش ضمیر را طی کرده باشد. از سوی دیگر ممکن است کاربران زبان برای تمایز میان این دو نوع کاربرد ضمایر منفصل، یکی را از تحول آوایی دور نگه داشته‌اند.

احتمال دارد که این ساخت و کاررفت ضمیر منفصل به جای فعل اسنادی، ریشه در دو ساخت جمله اسمیه عربی داشته باشد: ۱. ساختی که در آن ضمیر فصل و عماد به کار می‌رود (مانند: علیٌ هو العالم). ۲. ساخت جمله خبریه یعنی هنگامی که خبر، جمله اسمیه است و بنابراین باید با یک ضمیر به مبتدا منسوب شود (مانند: النَّجَاحُ اسَاسُهُ العَمَل) (حلیمی، ۱۹۹۳: ۹۷ و ۹۸). البته بی‌تردید گونه اول (ضمیر فصل و عماد) به ساخت مورد نظر ما بسیار شبیه‌تر است؛ چراکه در هر دو ضمایر منفصل به کار رفته است. این گونه ضمیر معمولاً هنگامی به کار می‌رود که مبتدا و خبر (نهاد و مسند) هر دو معرفه باشد.

لازم است گفته شود که در برخی از گویش‌های عربخانه، که بیشتر تحت تأثیر فارسی قرار گرفته است برای سوم شخص نیز فعل «هست/ است» به کار می‌رود؛ برای مثال:

ohow rejjāl hast

أهو رجال است: او مرد است.

ḍâ ektâb hast

ذًا إكتَاب است: این کتاب است.

روشن است که در این نمونه‌ها برای انسان و شیء فعل «است» به صورت یکسان به کار رفته؛ اما در گویش‌های کمتر تحول یافته، حتی برای اشیا نیز از فعل hu استفاده می‌شود؛ برای مثال:

ḍâ ejteb hu

ذًا إجتَب هو: این کتاب است.

۳. ترکیب فعل اسنادی فارسی و فعل عربی

گونه دیگری از کاربرد رابطه در گویش عربی عربخانه، ترکیب فعل اسنادی و بخشی از فعل عربی است. این نوع از فعل اسنادی در گویش عربخانه دو گونه دارد:

الف) گونه اول: دوم شخص جمع (OW-)

در گویش عربخانه گاهی پسوند OW- به عنوان شناسه به فعل اسنادی hast می‌چسبد و در صیغه دوم شخص جمع، این مجموعه کلاً به جای فعل اسنادی به کار می‌رود؛ برای

مثال:

إنتو فی البیت هستو: شما در خانه هستید. entow fe-lbēt hast-ow

در این نمونه «هستو» /hastow/ در جایگاه فعل ربطی قرار دارد. این فعل مرکب از «هست» (فعل ربطی فارسی) و پسوند -ow است. در مورد این پسوند می‌توان دو حدس مطرح کرد: ۱. -ow بخش پایانی ضمیر منفصل «إنتو» /entow/ است که خود گونه تحول یافته «أنتُم» /antum/ در عربی معیار است. ۲. -ow بخش پایانی فعل ماضی (صیغه دوم شخص جمع: -تُم مثلاً در ضَرَبْتُم) که به صورت -ow- متحول شده است که به فعل ربطی (اسنادی) متصل می‌شود. روشن نیست که چرا تنها در این صیغه چنین ترکیبی شکل گرفته است. اما باید به آشفتگی در کاربرد شناسه‌های افعال ربطی گونه «هستیدن» و اینکه برای اول شخص جمع مذکر و مؤنث و دوم شخص جمع مذکر هر دو شناسه *-in* به کار می‌رود، توجه کرد:

اول شخص جمع (مذکر و ما مرد/ زن هستیم).
 مؤنث) eḥna rejjel/emrayyet hast-in

دوم شخص جمع مذکر شما مرد هستید. entow rejjel hast-in

بنابراین احتمال دارد چنین ساختی برای رفع نقص و ایجاد تقابل اشتقاقی^{۳۳} میان این دو صیغه شکل گرفته باشد.

ب) گونه دوم: «استیدن» در معنی «شدن»
 گونه دوم ترکیب فعل اسنادی فارسی و فعل عربی از گونه اول پیچیده‌تر است و صیغه‌های کاملتری نیز دارد. در این گونه، فعل «است» به همراه بخشهایی از فعل ماضی یا مضارع در معنای «شدن» به کار می‌رود؛ به همین دلیل لازم است که این گونه از فعل اسنادی در دو زمان ماضی و مضارع بررسی شود.

ماضی

در زبان فارسی «است» همواره معنای وجود داشتن چیزی یا حالتی یا انتساب چیزی به چیز دیگر را در زمان حال به صورت ممتد و اندک اشاره‌ای به گذشته‌ای نزدیک منتقل می‌کند؛ اما در گویش عربخانه گاهی «است» (با تلفظ /est/) که در ادامه به دلیل آن خواهیم پرداخت، گاهی به معنای «شد» به کار می‌رود که دارای معنای تحول در زمان گذشته است؛ برای مثال:



edem talaf esta

إدم تَلَفِ إست: غذا تلف شد.

این گونه از فعل، صیغه‌های کاملی دارد که ترکیبی از فعل اسنادی فارسی «است»/est/ و صیغه‌های مختلف ماضی عربی است. این صیغه‌ها همراه با صرف فعل «شَرِبَ» برای مقایسه بهتر در پی می‌آید:

صرف در «شَرِبَ» عربی عربخانه (ماضی ساده)	صرف در «شَرِبَ» عربی معیار (ماضی ساده)	گوش عربخانه	معادل فارسی	
šorab-t	šarib-tu	ana rejjel/emrayya est- ēt	من مرد/ زن شدم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
šorab-t	šarib-ta	enta rejjel est-ēt	تو مرد شدی	دوم شخص مفرد مذکر
šorab-tey	šarib-ti	ente emrayya est-ēte	تو زن شدی	دوم شخص مفرد مؤنث
šorab	šarib-a	zâk rejjel est-a	او مرد شد	سوم شخص مفرد مذکر
šorab-at	šarib-at	zič emrayya est-at	او زن شد	سوم شخص مفرد مؤنث
šorab-na	šarib-nâ	eḥnâ rejjel/emrayyet est-ēna	ما مرد/ زن شدیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
šorab-tow	šarib-tom	entow rejjel est-ētow	شما مرد شدید	دوم شخص جمع مذکر

šorab-tan	šarib-tonna	entan emrayyet est- ētan	شما زن شدید	دوم شخص جمع مؤنث
šorab-aw	šarib-u	zâlok rejjel est-aw	آنها مرد شدند	سوم شخص جمع مذکر
šorab-an	šarib-na	zâlanč emrayyet est-an	آنها زن شدند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که روشن است در این نمونه‌ها، شناسه فعل اسنادی «است» /est/ (به معنی «شد») در صیغه سوم شخص مفرد مذکر با شناسه فعل ماضی غیر اسنادی در همین صیغه متفاوت است؛ اما در بقیه موارد شناسه‌های فعل اسنادی با غیر اسنادی تنها تفاوت آوایی دارد؛ این تفاوت نیز یا به دلیل التقای واج ف انتهایی est و واج t ابتدایی شناسه است یا به دلیل اینکه در est خوشه صامت پایانی^{۳۴} st وجود دارد و برای تلفظ ساده‌تر پیش از شناسه یک مصوت میان‌هسته^{۳۵} افزوده شده است. بنابراین در این صیغه‌گان، فعل /est/ با شناسه‌های تحول‌یافته فعل ماضی ترکیب شده و صیغه‌های مختلف این گونه از فعل اسنادی عربخانه را شکل داده است.

نکته دیگر در مورد کاربرد فعل اسنادی «است» صورت آوایی آن در این گویش است. همان گونه که در نمونه‌ها نشان داده شد در گویش عربخانه گاهی فعل «است» با تلفظ /est/ به کار می‌رود. این تلفظ امروزه در فارسی خراسان جنوبی کاربرد ندارد و از نظر تاریخی نیز به گونه‌های مرکزی و جنوب غربی ایران متعلق است (Shaked, 2009: 454-455). البته احمدی گیوی (۱۳۸۰، ج ۲: ۱۲۶۸) نمونه‌ای از کاربرد «است» را در شاهنامه نشان می‌دهد که با «فرست» /ferest/ قافیه شده و در صورتی که جزء عیوب قافیه به شمار نرود، باید به صورت /est/ تلفظ شود. به هر حال این تلفظ چه از ناحیه‌ای دیگر وارد گویش عربخانه شده، و چه متعلق به همین حوزه، یعنی جنوب خراسان باشد، نشان‌دهنده تلفظ بسیار قدیمتر این واژه است که در فارسی امروز جنوب خراسان از میان رفته است.

مضارع

در گویش عربی عربخانه گاهی «است» /est/ همراه با بخشهایی از فعل مضارع، نوعی فعل اسنادی مضارع را شکل می‌دهد که به عنوان صرف مضارع «شدن» به کار می‌رود. صیغه‌های این نوع فعل اسنادی همراه با صرف مضارع فعل «شرب» در عربی معیار و گویش عربخانه در پی می‌آید:

معادل فارسی	گویش عربخانه	صرف «شرب» در عربی معیار (مضارع)	صرف «شرب» در عربی عربخانه (مضارع)
اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)	ana rejjel/emrayya a- st-e	a-šrab-u	a-šrab
دوم شخص مفرد مذکر	enta rejjel t-est-e	ta-šrab-u	t-ošrab
دوم شخص مفرد مؤنث	ente emrayya t-est-ēn	ta-šrab-ina	t-ošrab-ēn
سوم شخص مفرد مذکر	zâk rejjel y-est-e	ya-šrab-u	y-ošrab
سوم شخص مفرد مؤنث	zič emrayya t-est-e	ta-šrab-u	t-ošrab
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	ehnâ rejjel/emrayyet n-est-e	na-šrab-u	n-ošrab
دوم شخص	entow rejjel t-est-on	ta-šrab-una	t-ošorb-un

t-ošorb-an	ta-šrab-na	entan emrayyet t-est-an	شما زن می شوید	جمع مذکر دوم شخص جمع مؤنث
y-ošorb-un	ya-šrab-una	zâlok rejjel y-est-on	آنها مرد می شوند	سوم شخص جمع مذکر
y-ošorb-an	ya-šrab-na	zâlanč red emrayyet y-est-an	آنها زن می شوند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که روشن است در این نمونه‌ها فعل اسنادی فارسی «است» /est/ همراه دو بخش از فعل مضارع عربی گونه دیگری از فعل اسنادی عربخانه را شکل داده است: ۱. در ابتدای فعل «است» /est/ فارسی، متناسب با هر صیغه، حروف مضارعه عربی (أ - ت - ی - ن) قرار گرفته است. این حروف مضارعه در گویش عربی معیار و گویش عربخانه با تحولات آوایی مختصری کاملاً بر هم منطبق می‌شود. ۲. پس از فعل «است» /est/ فارسی، متناسب با هر صیغه، شناسه‌های تحول‌یافته فعل مضارع عربی به آن افزوده شده و صیغه‌های مختلف این گونه از فعل اسنادی عربخانه را شکل داده است. همان گونه که قابل مشاهده است در مواردی که شناسه مضارع عربی معیار *-u* بوده است (اول شخص مفرد و جمع، سوم شخص مفرد مذکر و مؤنث، دوم شخص مفرد مذکر) در مضارع غیر اسنادی عربخانه *-u* حذف شده است؛ اما در مضارع اسنادی به *-e* تغییر یافته است. غیر از این مورد، شناسه‌ها در بقیه صیغه‌گان با هم منطبق است.

صیغه‌های مختلف فعل مستقبل «استیدن» در معنای «شدن» نیز در همین گروه جای می‌گیرد؛ زیرا پایه تمامی افعال مستقبل عربی، همان ماده مضارع است. البته در گویش عربخانه گاهی قیده‌های زمان آینده یا واژه‌هایی مانند «أُقد» /oqod/ (احتمالاً همان «قَد») و صیغه‌های مختلف «إرید» /erid/ (خواستن) نیز در کنار فعل مضارع قرار می‌گیرد و زمان آینده را نشان می‌دهد (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۲۲)؛ اما در مورد این نوع افعال اسنادی معمولاً این واژه‌ها کاربرد ندارد. بنابراین صیغه‌های مستقبل فعل اسنادی از «استیدن» (خواهم شد، خواهی شد و ...) با صیغه‌گان مضارع آن تفاوتی ندارد.

۴. فعل «کان» عربی

گونه دیگری از کاربرد فعل اسنادی در گویش عربی عربخانه، کاربرد فعل «کان» عربی در جایگاه فعل اسنادی فارسی است؛ به عبارت دیگر در این نوع از کاربرد فعل اسنادی، فعل «کان» در جایگاه نحوی فعل اسنادی فارسی یعنی انتهای جمله، قرار می‌گیرد؛ برای مثال:

ذاک رَجُلٌ چِن: او مرد بود. zâk rejjel čen

همان گونه که می‌دانیم از نظر آرایش واژگانی، جایگاه افعال عموم در ابتدای جمله اسمیه است؛ به تعبیر نحویان عرب «این افعال در آغاز جمله اسمیه وارد می‌شود»؛ اما آن گونه که از نمونه بالا برمی‌آید، فعل čen (کان) در انتهای جمله قرار گرفته و بنابراین آرایش واژگانی جمله را مطابق نحو زبان فارسی تغییر داده است.

نکته دیگر اینکه در گویش عربخانه، فعل «کان» تنها در زمان ماضی به کار می‌رود که از این نظر با مفهوم اصلی این فعل در عربی معیار انطباق دارد؛ اما باید توجه کرد که این فعل نیز برای همه اشخاص و برای همه زمانهای ماضی به یک شکل به کار نمی‌رود. کاربرد فعل «کان» را می‌توان دست کم در دو زمان ماضی ساده و ماضی نقلی بررسی کرد که هر یک از آنها در پی می‌آید.

الف) ماضی ساده

در گویش عربخانه، فعل «کان» در زمان ماضی ساده به دو صورت تحول می‌یابد: ۱. کُن /kon/ ؛ ۲. چِن /čen/. هر یک از این گونه‌ها با افزوده شدن شناسه‌های متناسب، صیغه‌های مختلف ماضی ساده را می‌سازد. «کُن» /kon/ برای صیغه‌های اول و دوم شخص به کار می‌رود و «چِن» /čen/ برای صیغه‌های سوم شخص. در ادامه نمودار صیغه‌گان هر دو گونه همراه با صرف فعل «شَرِب» در گویش عربی معیار و عربخانه برای مقایسه بهتر ذکر شده است:

۱. فعل اسنادی، ماضی ساده با «کُن» /kon/:

صرف «شَرِب» در عربی عربخانه (ماضی ساده)	صرف «شَرِب» در عربی معیار (ماضی ساده)	گویش عربخانه	معادل فارسی	
---	---------------------------------------	--------------	-------------	--

تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه

šorab-t	šarib-tu	ana rejjel/emrayya kon-t	من مرد/ زن بودم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
šorab-t	šarib-ta	enta rejjel kon-t	تو مرد بودی	دوم شخص مفرد مذکر
šorab-tey	šarib-ti	ente emrayya kon-te	تو زن بودی	دوم شخص مفرد مؤنث
šorab	šarib-a	-	-	سوم شخص مفرد مذکر
šorab-at	šarib-at	-	-	سوم شخص مفرد مؤنث
šorab-na	šarib-nâ	eḥna rejjel/emrayyet kon-na	ما مرد/ زن بودیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
šorab-tow	šarib-tom	entow rejjel kon-tow	شما مرد بودید	دوم شخص جمع مذکر
šorab-tan	šarib-tonna	entan emrayyet kon-tan	شما زن بودید	دوم شخص جمع مؤنث
šorab-aw	šarib-u	-	-	سوم شخص جمع مذکر
šorab-an	šarib-na	-	-	سوم شخص جمع مؤنث

۲. فعل اسنادی، ماضی ساده با «چن» /čen/:

عربی معیار (ماضی ساده)	عربی معیار (ماضی ساده)	گویش عربخانه	معادل فارسی	
صرف «شَرِبَ» در عربی عربخانه (ماضی ساده)	صرف «شَرِبَ» در عربی معیار (ماضی ساده)	-	-	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
šorab-t	šarib-tu	-	-	دوم شخص مفرد مذکر
šorab-t	šarib-ta	-	-	دوم شخص مفرد مؤنث
šorab-tey	šarib-ti	-	-	دوم شخص مفرد مؤنث

				مفرد مؤنث
šorab	šarib-a	zâk rejjel čen	او مرد بود	سوم شخص مفرد مذکر
šorab-at	šarib-at	zič emrayya čen-at	او زن بود	سوم شخص مفرد مؤنث
šorab-na	šarib-nâ	-	-	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
šorab-tow	šarib-tom	-	-	دوم شخص جمع مذکر
šorab-tan	šarib-tonna	-	-	دوم شخص جمع مؤنث
šorab-aw	šarib-u	zâlok rejjel čen-au	آنها مرد بودند	سوم شخص جمع مذکر
šorab-an	šarib-na	zâlanč emrayyet čen-an	آنها زن بودند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که از این نمونه‌ها بر می‌آید، فعل *kon* با شناسه‌های متناسب برای صیغه‌های اول و دوم شخص به کار می‌رود؛ اما برای صیغه‌های سوم شخص گونه‌ی کاملاً تحول‌یافته این واژه یعنی *čen* به کار می‌رود. این تمایز مشابه تمایزی است که میان کاربرد *hast* (برای اول و دوم شخص) و ضمایر منفصل (برای سوم شخص) در فعل اسنادی گونه‌ی اول (فارسی) مشاهده شد؛ اما دلیل چنین تمایزی میان صیغه‌گان اول- دوم و سوم شخص بر نگارندگان روشن نیست.

ب) ماضی نقلی

در گویش عربخانه، هنگامی که بین دو زمان گذشته و حال، پیوستگی و اتصال باشد از زمان ماضی نقلی یا حال کامل استفاده می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۱۳). در زبان عربی معیار چنین زمانی با صیغه‌های متمایز و مستقل وجود ندارد؛ بلکه برای نشان دادن وقوع فعل در حالت مثبت از ترکیب «قد+ فعل ماضی» (قَدْ ذَهَبَ: رفته است) و در حالت منفی از ترکیب «لَمَّا+ فعل مضارع» (لَمَّا يَذْهَبُ: نرفته است) استفاده می‌شود.

در گونه‌های مختلف گویش عربخانه برای نشان دادن این زمان شیوه‌های مختلفی

هست. در گونه مورد مطالعه این مقاله، ساختمان ماضی نقلی همان ساختمان اسم فاعل است؛ بدین ترتیب برای ساخت ماضی نقلی اسنادی از فعل «کان» این فعل را بر وزن اسم «فاعل» بازسازی، (کائن /kâ?en/ و با انواعی از تحول آوایی به صورت «چین» /čîn/ تلفظ می‌کنند. در برخی از گونه‌های گویشی عربخانه از اسم فاعل čâyen استفاده می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۱۳) که به صورت اصلی «کائن» بسیار نزدیکتر است.

نکته جالب درباره این ساخت، تفاوت شناسه‌های آن با انواع دیگر ماضی از جمله ماضی ساده است؛ بدین معنی که شاید بتوان گفت در بسیاری از صیغه‌های این ساخت، شناسه‌های تمایزدهنده‌ای نیست. این صیغه‌گان به همراه صرف ماضی نقلی فعل «وَجَفَ» /vajf/ به معنای «ایستادن» و «قال» /gâl/ به معنی «گفتن» برای مقایسه بهتر در پی آمده است:

گویش عربخانه	معادل فارسی	گویش عربخانه	معادل فارسی	گویش عربخانه	معادل فارسی	
gâyel	گفته‌ام	vâjof	ایستاده‌ام	ana rejjel čin	من مرد بوده‌ام	اول شخص مفرد مذکر
gâyl-a	گفته‌ام	vâjf-a	ایستاده‌ام	ana emrayya čin-a	من زن بوده‌ام	اول شخص مفرد مؤنث
gâyel	گفته‌ای	vâjof	ایستاده‌ای	enta rejjel čin	تو مرد بوده‌ای	دوم شخص مفرد مذکر
gâyl-a	گفته‌ای	vâjf-a	ایستاده‌ای	ente emrayya čin-a	تو زن بوده‌ای	دوم شخص مفرد مؤنث
gâyel	گفته است	vâjof	ایستاده است	zâk rejjel čin	او مرد بوده است	سوم شخص مفرد مذکر

gâyl-a	گفته است	vâjf-a	ایستاده است	zič emrayya čin-a	او زن بوده است	سوم شخص مفرد مؤنث
gâyl-in	گفته ایم	vâjf-in	ایستاده ایم	eħna rejjelin/emrayyet čin-in	ما مرد/ زن بوده ایم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
gâyl-in	گفته اید	vâjf-in	ایستاده اید	entow rejjel čin-in	شما مرد بوده اید	دوم شخص جمع مذکر
gâyl-et	گفته اید	vâjf-et	ایستاده اید	entan emrayyet čin-et	شما زن بوده اید	دوم شخص جمع مؤنث
gâyl-in	گفته اند	vojf-in	ایستاده اند	zâlok rejjelin čin-in	آنها مرد بوده اند	سوم شخص جمع مذکر
gâyl-et	گفته اند	vojf-et	ایستاده اند	zâlanč emrayyet čin-et	آنها زن بوده اند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که از نمودار بر می آید در صیغه های مفرد بین اول، دوم و سوم شخص تفاوتی نیست. تنها تفاوت میان صیغه ها در جنس به چشم می خورد؛ بدین ترتیب اول، دوم و سوم شخص مفرد مذکر بر وزن اسم فاعل و بدون شناسه /čín/ و اول، دوم و سوم شخص مفرد مؤنث بر وزن اسم فاعل با اضافه شدن پسوند a و به صورت /čín-a/ به کار می رود. در صیغه های جمع نیز به همین گونه است: اول شخص مذکر و مؤنث و همچنین دوم و سوم شخص جمع مذکر بر وزن اسم فاعل و با افزوده شدن پسوند -in به صورت /čín-in/ به کار می رود. دوم و سوم شخص جمع مؤنث نیز بر

وزن اسم فاعل و با افزوده شدن پسوند *-et* به صورت */čīn-et/* ساخته می‌شود. از آنجا که در برخی از گونه‌های گویشی عربخانه در صیغه‌های جمع مؤنث به جای *-et* پسوند *-ât* به کار می‌رود، می‌توان *-et* را گونه‌ای تحول یافته از پسوند *-ât* عربی (جمع مؤنث) دانست.

فعل اسنادی خبری

منفی (فعل نفی)

در عربی معیار، شیوه ساخت فعل نفی ماضی و مضارع مشابه است؛ زیرا در اثر وارد شدن پیشوند نفی بر افعال ماضی و مضارع تغییری در فعل اصلی رخ نمی‌دهد. تنها تفاوت ماضی و مضارع منفی پیشوندی است که در هر کدام به کار می‌رود و برای ساخت مضارع منفی «لا» و برای ماضی منفی «ما» استفاده می‌شود. در گویش عربخانه از آنجا که پیشوند «لا» */lā/* فقط برای ساخت نفی به کار می‌رود، تنها پیشوند عربی، که برای فعل نفی در ساخت افعال غیر اسنادی به کار می‌رود، «ما» */mā/* است که در گونه‌های مختلف این گویش به صورتهای مختلفی به کار می‌رود؛ اما علاوه بر این تفاوت در فعل اسنادی منفی، ساختمان فعل مضارع و ماضی نیز کاملاً با هم متفاوت و به دو گونه است: ۱. مضارع: با استفاده از ضمائر ملکی عربی ۲. ماضی: با استفاده از فعل «کان» عربی؛ لذا این افعال را در دو بخش مستقل بررسی خواهیم کرد.

۱. مضارع

در عربی معیار برای ساخت فعل نفی مضارع پیشوند «لا» */lā/* به فعل مضارع متصل می‌شود بدون اینکه فعل مجزوم شود؛ اما در اسناد منفی مضارع گویش عربخانه از گونه‌های مختلف پیشوند «ما» استفاده می‌شود. در گویش خسروآباد پیشوند *mā* تنها در اول شخص مفرد به کار می‌رود و در بقیه صیغه‌ها از پیشوند منفی فارسی *nē* استفاده می‌شود. دلیل این تمایز بر نگارندگان روشن نیست. علاوه بر این به نظر می‌رسد در این ساخت از ماده فعلی خاصی استفاده نمی‌شود؛ بلکه پیشوند *nē* مستقیماً به ضمائر ملکی متصل می‌شود. دلیل این امر نیز به هیچ وجه روشن نیست؛ اما برای توصیف دقیقتر، ضمائر ملکی این گویش در پی نقل می‌شود:

ضمایر ملکی در گوش عربخانه	صیغه گان جمع	ضمایر ملکی در گوش عربخانه	صیغه گان مفرد
-na	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	-ē	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
-kom	دوم شخص جمع مذکر	-âk	دوم شخص مفرد مذکر
-čen	دوم شخص جمع مؤنث	-eč	دوم شخص مفرد مؤنث
-hom	سوم شخص جمع مذکر	-hu	سوم شخص مفرد مذکر
-hen	سوم شخص جمع مؤنث	-hi	سوم شخص مفرد مؤنث

همان گونه که در ادامه مقاله آمده است در فعل مضارع منفی اسنادی گویش خسروآباد، این ضمایر ملکی در جایگاه شناسه قرار می‌گیرد و شخص فعل را نشان می‌دهد. صیغه گان این فعل مضارع اسنادی منفی گویش عبارت است از:

غیر اسنادی			اسنادی		
نفی ماضی (عربخانه)	نفی مضارع (معیار)	معادل فارسی	گوش عربخانه	معادل فارسی	
mā-qâd-ē	لا أَذْهَبُ	نمی‌روم	mē-n-ē	نیستم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
nē-tâ-qâd-ē/nē-tâ-qâ	لا تَذْهَبُ	نمی‌روی	mē-n-âk	نیستی	دوم شخص مفرد مذکر
nē-tâ-qâd-ēn	لا تَذْهَبِينَ	نمی‌روی	mē-n-eč	نیستی	دوم شخص مفرد

					مؤنث
nē-yâ-qâd- ē/nē-yâ-qâ	لا يَذْهَبُ	نمی رود	mē-n-hu	نیست	سوم شخص مفرد مذکر
nē-tâ-qâd- ē/nē-tâ-qâ	لا تَذْهَبُ	نمی رود	mē-hi	نیست	سوم شخص مفرد مؤنث
nē-nâ-qâd- ē/nē-nâ-qâ	لا نَذْهَبُ	نمی رویم	mē-n-na	نیستیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
nē-tâ-qâd- un	لا تَذْهَبُونَ	نمی روید	mē-n-kom	نیستید	دوم شخص جمع مذکر
nē-tâ-qâd- an	لا تَذْهَبِينَ	نمی روید	mē-n-ĉen	نیستید	دوم شخص جمع مؤنث
nē-yâ-qâd- un	لا يَذْهَبُونَ	نمی روند	mē-n-hom	نیستند	سوم شخص جمع مذکر
nē-yâ-qâd- an	لا يَذْهَبِينَ	نمی روند	mē-hen	نیستند	سوم شخص جمع مؤنث

در مورد صیغه‌گان اسنادی منفی مضارع چند نکته مهم آشکارا به چشم می‌خورد: نخست اینکه روشن نیست به چه دلیل در تمامی این صیغه‌ها و اول و دوم شخص مؤنث، پس از پیشوند *mē* و پیش از ضمیر ملکی یک *n* افزوده شده است. دوم اینکه روشن نیست چرا این *n* در صیغه‌های سوم شخص مفرد و جمع مؤنث به کار نرفته است. سوم اینکه در مقایسه با فعل منفی غیر اسنادی در گویش خسروآباد، همگی پیشوندهای نفی تغییر کرده است؛ چراکه در فعل منفی غیر اسنادی پیشوند نفی در همه صیغه‌ها به جز اول شخص مفرد *nē-* است که تأثیر فارسی بر این گویش را آشکار می‌سازد و در اول شخص نیز پیشوند نفی *mā-* است. دلیل این تمایز روشن نیست. از سوی دیگر در صیغه‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ فعل منفی غیر اسنادی، شاهد کاربرد دو گونه از یک صیغه هستیم؛ اما در فعل اسنادی منفی تنها یک گونه وجود دارد. از نظر شناسه‌ها نیز صیغه‌های فعل منفی غیر اسنادی مفرد اغلب مشترک است و تنها با حرف مضارعه از هم جدا می‌شود؛ اما در فعل منفی اسنادی این تفکیک بدقت و با کاربرد ضمیر ملکی به جای شناسه انجام می‌شود.

۲. ماضی

در عربی معیار برای ساختن فعل نفی ماضی، پیشوند «ما» */mā/* به ابتدای فعل ماضی افزوده می‌شود بدون اینکه فعل مجزوم شود؛ اما در گونه خسروآبادی عربخانه، این پیشوند به صورت *mē* کاربرد می‌یابد که در مورد تحول مصوت پایانی آن می‌توان دو احتمال مطرح کرد: ۱. مصوت *ā* پایانی احتمالاً تحت تأثیر فرایند اماله به کسره مایل شده است. این فرایند در این گویش بسیار رایج است؛ برای مثال: *lāzem < lēzem*؛ *yābes < yābes*؛ *rejjāl < rejjāl*؛ *nāzel < nēzel*. ۲. احتمال دارد مصوت *ā* پایانی */mā/* احتمالاً تحت تأثیر «نی» */nē/* منفی ساز فارسی قرار گرفته باشد. کاربرد پیشوند منفی فارسی *nē* در فعل غیر اسنادی منفی، این احتمال را تقویت می‌کند. به علاوه در زمان ماضی برای ساختن فعل اسنادی منفی از فعل «کان» به عنوان فعل پایه استفاده می‌شود؛ اما از آنجا که در ماضی ساده مثبت صیغه‌های اول و دوم شخص با گونه */kon/* صیغه‌های سوم شخص با گونه */čen/* ساخته می‌شد در ماضی منفی نیز به همین ترتیب عمل می‌شود؛ بدین ترتیب صیغه‌گان فعل اسنادی منفی ماضی عبارت است از: الف) اول و دوم شخص با */kon/*

تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه

غیر اسنادی			اسنادی		
نفی ماضی (عربخانه)	نفی ماضی (معیار)	معادل فارسی	گویش عربخانه	معادل فارسی	
mē-qed-ēt	mā-ḍahb-tu	نرفتم	mē-kon-t	نبودم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
mē-qed-ēt	mā-ḍahab-ta	نرفتی	mē-kon-te	نبودی	دوم شخص مفرد مذکر
mē-qed-ētē	mā-ḍahab-ti	نرفتی	mē-kon-te	نبودی	دوم شخص مفرد مؤنث
mē-qed-a	mā-ḍahab-a	نرفت	-	نبود	سوم شخص مفرد مذکر
mē-qed-at	mā-ḍahab-a	نرفت	-	نبود	سوم شخص مفرد مؤنث
mē-qed-ēna	mā-ḍahab-nā	نرفتیم	mē-kon-na	نبودیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
mē-qed-ētow	mā-ḍahab-tum	نرفتید	mē-kon-tow	نبودید	دوم شخص جمع مذکر



mē-qed- ētan	mā-ḍahab- tunna	نرفتید	mē-kon-tan	نبودید	دوم شخص جمع مؤنث
mē-qed-aw	mā-ḍahab- u	نرفتند	-	نبودند	سوم شخص جمع مذکر
mē-qed-an	mā-ḍahab- na	نرفتند	-	نبودند	سوم شخص جمع مؤنث

ب) سوم شخص با /čen/

غیر اسنادی			اسنادی		
نفی ماضی (عربخانه)	نفی ماضی (معیار)	معادل فارسی	گویش عربخانه	معادل فارسی	
mē-qed-ēt	mā-ḍahab-tu	نرفتم	-	نبودم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
mē-qed-ēt	mā-ḍahab-ta	نرفتی	-	نبودی	دوم شخص مفرد مذکر
mē-qed-ētē	mā-ḍahab-ti	نرفتی	-	نبودی	دوم شخص مفرد مؤنث
mē-qed-a	mā-ḍahab-a	نرفت	mē-čen	نبود	سوم شخص مفرد مذکر
mē-qed-at	mā-ḍahab-a	نرفت	mē-čēn-at	نبود	سوم شخص

mē-qed-ēna	mā-ḍahab-nā	نرفتیم	-	نبودیم	مفرد مؤنث اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
mē-qed-ētow	mā-ḍahab-tum	نرفتید	-	نبودید	دوم شخص جمع مذکر
mē-qed-ētan	mā-ḍahab-tunna	نرفتید	-	نبودید	دوم شخص جمع مؤنث
mē-qed-aw	mā-ḍahab-u	نرفتند	mē-čēn-a	نبودند	سوم شخص جمع مذکر
mē-qed-an	mā-ḍahab-na	نرفتند	mē-čēn-a	نبودند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که روشن است ساختمان فعل اسنادی ماضی منفی و مثبت به هم بسیار شبیه است؛ تنها تفاوت در ذکر پیشوند mē در گونه منفی است. این تشابه در فعل ماضی منفی و مثبت عربی معیار نیز مشاهده می شود.

فعل اسنادی امری

فعل اسنادی در وجه امری نیز احتمال وقوع دارد؛ بدین معنی که در زبان فارسی می توان کسی یا چیزی را امر کرد که نسبتی یا حالتی را بپذیرد؛ برای مثال می توان گفت: «تو مرد باش». در این جمله «باش» که وجه امری (و التزامی) فعل «بودن» است در جایگاه فعل اسنادی قرار می گیرد و به «تو» امر می کند که نسبت «مرد» بودن را بپذیرد. چنین ساختی در گویش عربی عربخانه نیز قابل مشاهده است.

البته ساختمان فعل امر در گویش عربخانه با عربی معیار بسیار تفاوت دارد؛ در عین حال، نکات مشترکی نیز میان این دو گویش وجود دارد؛ از جمله اینکه در هر دو گویش ساخت امر مخاطب (دوم شخص) با ساخت امر غایب و متکلم (اول و سوم شخص) متفاوت است. اما باید توجه کرد امر متکلم و غایب (یا به عبارت دقیق‌تر امر به هر سه شخص) در عربخانه تحت تأثیر فارسی دارای ساخت التزامی شده و بنابراین بهتر است آن را امر به شمار نیاوریم. توضیح اینکه در عربی معیار با افزودن «لَ» به فعل مضارع و مجزوم نمودن آن، فعل امر غایب و متکلم یا «امر به لام» ساخته می‌شود؛ این ساخت با ساختمان فعل التزامی بکل متفاوت است؛ اما چنین قاعده‌ای در گویش عربخانه جاری نیست. در این گویش برای ساختن امر غایب و متکلم (اول و سوم شخص) قید «إراد» /erâd/ یا «رد» /red/ به معنی «باید» به فعل مضارع اضافه می‌شود بدون اینکه n انتهای شناسه‌های جمع حذف شود (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۰۰). کافی است به جای این قید از قید دیگری مانند «شاید» /šâyad/ یا «ممکنو» /momkenow/ (= احتمالاً) استفاده کنیم تا معنی امری این ساخت از بین برود و به ساخت التزامی تبدیل شود؛ بنابراین روشن است که این نوع فعل، ساختمان مستقلی ندارد و «امر غایب و متکلم در این گویش شکل خاصی ندارد و به وجه التزامی شبیه است» (آموزگار، ۱۳۸۰: ۱۹۴)؛ لذا در مقاله نیز نگارندگان به همین دلیل «امر غایب و متکلم» را در «ساخت التزامی» ادغام کرده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، روشن است که در عربخانه مانند فارسی تنها برای مخاطب، ساخت امری وجود دارد.

در این گویش برای اسناد امری از دو فعل /est/ و /kun/ استفاده می‌شود که اولی از فارسی قرض گرفته شده و دومی صورت تحول یافته «کُن» عربی است. بنابراین اسناد امری در گویش عربی عربخانه دو ساخت دارد: الف) فعل اسنادی فارسی (است)؛ ب) فعل «کان» عربی.

الف) فعل اسنادی فارسی (است)

امر مخاطب در گویش عربی عربخانه ساختمانی شبیه امر مخاطب در عربی معیار دارد؛ بدین معنی که برای ساخت آن فعل مضارع، مجزوم می‌شود، به جای حروف مضارع یک همزه می‌نشیند. تنها تفاوت در ساختمان فعل امر عربی معیار با عربخانه در این است که همزه آغازین در گویش عربخانه اغلب، مضموم است. ساختمان امری فعل

تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه

اسنادی /est/ نیز به جز همزه آغازین آن مطابق همین قاعده و به ترتیب زیر است:

معادل فارسی	گویش عربخانه	صرف «شرب» در عربی معیار (امر)	صرف «شرب» در عربی عربخانه (امر)
اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)	-	-	-
دوم شخص مفرد مذکر	مرد خوبی شو	rejjelen 'aynen est	e-šrab
دوم شخص مفرد مؤنث	زن خوبی شو	emrayten 'aynen est- ē	e-šrab-i
سوم شخص مفرد مذکر	-	-	-
سوم شخص مفرد مؤنث	-	-	-
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	-	-	-
دوم شخص جمع مذکر	مردان خوبی شوید	rejjelinon 'aynen est- ow	e-šrab-u
دوم شخص جمع مؤنث	زنان خوبی شوید	emrayyeten 'aynen est-an	e-šrab-na
سوم شخص جمع مذکر	-	-	-
سوم شخص جمع مؤنث	-	-	-

همان گونه که مشاهده می‌شود فعل امر از «استیدن» در معنای «شدن» با افزوده شدن شناسه‌های مجزوم هر صیغه به فعل «است» /est/ شکل می‌گیرد. جدول زیر، مقایسه بهتر تحول شناسه‌ها را نشان می‌دهد:

معادل فارسی	گوش عربخانه	صرف «شرب» در عربی معیار (مضارع)	صرف «شرب» در عربی عربخانه (مضارع)
دوم شخص مفرد مذکر تو مرد می‌شوی	enta rejjel t-est-e	ta-šrab-u	t-ošrab
دوم شخص مفرد مؤنث تو زن می‌شوی	ente emrayya t-est-ēn	ta-šrab-ina	t-ošrab-ēn
دوم شخص جمع مذکر شما مرد می‌شوید	entow rejjel t-est-on	ta-šrab-una	t-ošorb-un
دوم شخص جمع مؤنث شما زن می‌شوید	entan emrayyet t-est-an	ta-šrab-na	t-ošorb-an

روشن است که در ساخت امر اسنادی فارسی با /est/ در گوش عربی عربخانه نیز مانند گوش عربی معیار برای ساخت فعل امر مخاطب از فعل مضارع مجزوم استفاده شده (به جز صیغه جمع مؤنث) است؛ اما به نظر می‌رسد همزه مضموم آغازی ساختمان امر مخاطب در این فعل به کار نرفته است؛ زیرا صیغه‌های آن با e آغاز می‌شود. البته این احتمال نیز دور از ذهن نیست که همزه آغازین o به ابتدای فعل افزوده شده باشد؛ اما به دلیل ادغام شدن در همزه مکسور آغازین /est/ این دو همزه با هم به صورت e تلفظ شود.

ب) فعل «کان» عربی

فعل «کان» به دو صورت در فعل اسنادی امری کاربرد دارد: ۱. مثبت؛ ۲. منفی (نهی). در ادامه مقاله صورتهای مثبت و منفی ساخت امری با «کان» بررسی می‌شود.

مثبت

گونه دوم فعل اسنادی امری با صیغه‌های مختلف فعل «کُن» ساخته می‌شود. همان گونه که پیش از این نیز بیان شد، امر مخاطب در گویش عربی عربخانه ساختمانی شبیه امر مخاطب در عربی معیار دارد؛ بدین معنی که برای ساخت آن از فعل مضارع مجزوم استفاده می‌شود. این شباهت ساختمان در اسناد امری با فعل «کان» نیز وجود دارد. در عربی معیار برای ساخت فعل امر، پس از حذف حرف مضارع اگر حرف متحرک باشد، فعل باقیمانده، صیغه امر است؛ برای مثال: تَعِدُ ← عِدْ؛ تُزَلِّزُ ← زَلِّزْ. در مورد «کان» نیز شرایط به همین نحو است: تَكُونُ ← كُونْ. از آنجا که ضمه بر واو ثقیل است، کون تبدیل به کُن می‌شود. در گویش عربخانه نیز همین ساختمان برای اسناد امری به کار می‌رود که صیغه‌های آن در ذیل آمده است:

عربی معیار	گویش عربخانه	معادل فارسی	
kun	rejjel-en 'aynene kun	مرد خوبی باش	دوم شخص مفرد مذکر
kun-i	emrayt-en 'aynen kun-ē	زن خوبی باش	دوم شخص مفرد مؤنث
kun-u	erjel-en 'aynen kun-ow	مردان خوبی باشید	دوم شخص جمع مذکر
kun-na	emrayt-en 'aynen kun-an	زنان خوبی باشید	دوم شخص جمع مؤنث

روشن است که تنها تفاوت میان صیغه‌های امر مخاطب در گویش عربخانه با عربی معیار در تلفظ شناسه‌هاست و در بقیه موارد اختلافی میان صیغه‌ها وجود نیست.

منفی (نهی)

در عربی معیار برای ساختن فعل نهی (مخاطب) حرف «لا» را پیش از صیغه‌های فعل مضارع مخاطب قرار می‌دهند. در گویش عربخانه نیز با استفاده از همین پیشوند فعل نهی مخاطب ساخته می‌شود. در مرحله دوم، فعل مضارع مجزوم می‌شود (غیر از صیغه جمع مؤنث). همان گونه که در امر مخاطب با «کُن» نیز دیدیم، در عربی معیار و گویش عربخانه از فعل مجزوم استفاده شد؛ اما روشن نیست به چه دلیل در ساختمان نهی مخاطب گویش عربخانه از فعل مجزوم استفاده نمی‌شود. این ویژگی در مورد فعل نهی

«کُن» /kun/ نیز صادق است؛ بدین ترتیب صیغه‌های فعل نهی مخاطب از فعل «کان» به این ترتیب است:

عربی معیار	گویش عربخانه	معادل فارسی	
lā-ta-zhab	rejjel-en xarâb la-t-kun	مرد بدی نباش	دوم شخص مفرد مذکر
lā-ta-zhab-i	emrayt-en ‘aynen la-t-kun-ën	زن خوبی باش	دوم شخص مفرد مؤنث
lā-ta-zhab-u	erjel-en ‘aynen la-t-kun-on	مردان خوبی باشید	دوم شخص جمع مذکر
lā-ta-zhab-na	emrayt-en ‘aynen la-t-kun-an	زنان خوبی باشید	دوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که روشن است در صیغه‌های گویش عربخانه علاوه بر مجزوم نشدن، دو تفاوت آوایی نیز به چشم می‌خورد: ۱. حرف «لا» /lā/ با کوتاه شدن مصوت به صورت «ل» /la/ درآمده است. ۲. حرف مضارع -ta مصوت پایانی خود را از دست داده، با متصل شدن به پیشوند -la یک هجای جدید به صورت -la-t تشکیل داده است. نکته دیگر اینکه در اسناد امری منفی (نهی) تنها از فعل عربی «کان» استفاده می‌شود و گونه فارسی est به کار نمی‌رود.

فعل اسنادی التزامی

در عربی معیار، ساختهای فعلی مختلفی حامل وجه یا معنای التزامی است. اغلب این ساختها در جمله‌های مرکب وقوع می‌یابد؛ برای مثال هنگامی که حروف ناصبه به فعل مضارع می‌پیوندد، هم فعل را منصوب می‌کند و هم معنای آن را به مضارع التزامی نزدیک می‌کند: أَخَافُ أَنْ أَذْهَبَ : می‌ترسم بروم؛ اما ساختی که در جمله‌های ظاهراً ساده عربی معیار وقوع می‌یابد و معنای آن به التزام نزدیک است، ساخت امر غایب و متکلم است: لِأَذْهَبْ: باید بروم.

در گویش عربخانه نیز مانند عربی معیار ساخت مستقل و مجزایی برای نشان دادن وجه التزامی وجود ندارد. در این گویش نیز هنگامی که «إن» /en/ (= آن ناصبه)، تـ /te/ (= «تا»ی فارسی) و مانند آن به فعل مضارع متصل می‌شود، معنای التزام را به آن منتقل می‌کند (ر.ک.: آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۱۷). این افعال، همگی در جمله‌های مرکب به کار می‌رود؛ اما در گویش خسروآباد با افزودن قیدهایی مانند *šāyad* (شاید) و *momkenow* (احتمالاً) به فعل مضارع، گونه‌ای ساخت جمله به وجود می‌آید که می‌توان آن را با فعل الزامی مقایسه کرد. اگر این قید *red* (باید) باشد، می‌توان این ساخت را از نظر معنایی همان امر غایب و متکلم عربی معیار نیز دانست. این گونه ساختها در افعال اسنادی نیز قابل مشاهده است؛ چراکه افعال اسنادی نیز می‌تواند در وجه التزامی به کار رود. وجه التزامی در افعال اسنادی گویش خسروآباد، مانند وجوه دیگر فعلی، دو گونه دارد: ۱. فعل اسنادی فارسی (است)؛ ۲. فعل «کان» عربی.

۱. فعل اسنادی فارسی (است)

نخستین گونه فعل اسنادی التزامی با /est/ فارسی ساخته می‌شود. پایه این فعل نیز فعل مضارع اخباری با /est/ است. همان گونه که پیش از این بیان شد در گویش خسروآباد با افزودن قیدهایی مانند *šāyad* (شاید) و *momkenow* (احتمالاً) به فعل مضارع، گونه‌ای ساخت جمله به وجود می‌آید که می‌توان آن را با فعل التزامی مقایسه کرد. البته با توجه به اینکه با افزوده شدن این قیدها هیچ تغییری در ساخت فعل رخ نمی‌دهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که ساختمان فعل اسنادی التزامی با /est/ با ساختمان فعل مضارع اسنادی با /est/ تفاوت چندانی ندارد. صرف صیغه‌های التزامی فعل اسنادی /est/، به این ترتیب است:

معادل فارسی	گویش عربخانه	صرف «شرب» در عربی معیار (التزامی)	صرف «شرب» در عربی عربخانه (التزامی)
اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث) من باید مرد/ زن شوم	ana red rejjel/emrayya a-st- e	le-a-šreb	red a-šrab

red t-ošrab	-	enta red rejjel t-est-e	-	دوم شخص مفرد مذکر
red t-ošrab- ēn	-	ente red emrayya t- est-ēn	-	دوم شخص مفرد مؤنث
red y-ošrab	le-ya-šreb	zâk red rejjel y-est-e	او باید مرد شود	سوم شخص مفرد مذکر
red t-ošrab	le-ta-šreb	zič red emrayya t- est-e	او باید زن شود	سوم شخص مفرد مؤنث
red n-ošrab	le-na-šreb	ehnâ red rejjel/emrayyet n- est-e	ما باید مرد/ زن شویم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
red t-ošorb- un	-	entow red rejjel t- est-on	-	دوم شخص جمع مذکر
red t-ošorb- an	-	entan red emrayyet t-est-an	-	دوم شخص جمع مؤنث
red y-ošorb- un	le-ya-šreb- u	zâlok rejjel y-est-on	آنها باید مرد شوند	سوم شخص جمع مذکر
red y-ošorb- an	le-ya-šreb- na	zâlanč red emrayyet y-est-an	آنها باید زن شوند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که روشن است در ساخت التزامی اسنادی نیز مانند ساخت مضارع در انتهای فعلهای مختوم به u (أشْرَبُ، نَشْرَبُ، يَشْرَبُ، تَشْرَبُ) همچنان مصوت e که

احتمالاً حاصل تحول o/u به e است، دیده می‌شود؛ افزون بر این در صیغه‌های جمع اسنادی نیز n پایانی حذف نمی‌شود و همچنان به کار می‌رود. لازم است یادآوری شود که حذف مصوت u پایانی از افعال غیر اسنادی مضارع این گویش (مانند صیغه red a-šrab) دلیل بر مجزوم شدن این صیغه‌ها نیست؛ بلکه در وجه اخباری هم این صیغه‌ها بدون مصوت پایانی به کار می‌رود.

۲. فعل «کان» عربی

فعل «کان» /kāna/ به عنوان فعل اسنادی به دو صورت در ساخت التزامی به کار می‌رود: الف) مثبت؛ ب) منفی. روشن نیست به چه دلیل از فعل /est/ فارسی فعل منفی التزامی ساخته نشده است. در ادامه مقاله صورتهای مثبت و منفی ساخت التزامی با «کان» بررسی می‌شود.

الف) مثبت

دومین گونه فعل اسنادی التزامی با فعل ناقص «کان» /kāna/ عربی ساخته می‌شود؛ مانند بخش قبل در ساخت التزامی با «کان» نیز قیدهایی مانند red (باید)، šāyad (شاید) و momkenow (احتمالاً) به فعل مضارع افزوده می‌شود و گونه‌ای ساخت جمله به وجود می‌آید که می‌توان آن را با فعل التزامی مقایسه کرد. صرف این صیغه‌ها به این ترتیب است:

صرف	صرف	گویش عربخانه	معادل فارسی	
«شَرَب» در عربی عربخانه (مضارع)	«شَرَب» در عربی معیار (مضارع)			
a-šrab	a-šrab-u	ana red rejjel/emrayten ‘ayn a-kun	من باید مرد/ زن خوبی باشم	اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)
t-ošrab	ta-šrab-u	enta red rejjelen ‘aynen et-kun	تو باید مرد خوبی باشی	دوم شخص مفرد مذکر
t-ošrab- ēn	ta-šrab- ina	ente red emrayten ‘aynen et-kun-ēn	تو باید زن خوبی باشی	دوم شخص مفرد مؤنث
y-ošrab	ya-šrab-u	zāk red rejjelen	او باید مرد خوبی	سوم شخص



		'aynen ye-kun	باشد	مفرد مذکر
t-ošrab	ta-šrab-u	zič red emrayten 'aynen et-kun	او باید زن خوبی باشد	سوم شخص مفرد مؤنث
n-ošrab	na-šrab-u	eḥnâ red rejjel/emrayyeten 'aynen en-kun	ما باید مردان/ زنان خوبی باشیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
t-ošorb-un	ta-šrab-una	entow red rejjelinen 'aynen et-kun-on	شما باید مردان خوبی باشید	دوم شخص جمع مذکر
t-ošorb-an	ta-šrab-na	entan red emrayyeten 'aynen et-kun-an	شما باید زنان خوبی باشید	دوم شخص جمع مؤنث
y-ošorb-un	ya-šrab-una	zâlok red rejjelinen 'aynen ye-kun-on	آنها باید مردان خوبی باشند	سوم شخص جمع مذکر
y-ošorb-an	ya-šrab-na	zâlanč red emrayyeten 'aynen ye-kun-an	آنها باید زنان خوبی باشند	سوم شخص جمع مؤنث

همان گونه که مشاهده می‌شود در این ساخت به دلیل یا دلایلی که روشن نیست، حرف مضارع *t-* با نوعی تحول آوایی به صورت *et-* درآمده است. ممکن است این تحول به دلایل آوایی رخ داده باشد.

ب) منفی

ساختمان فعل التزامی منفی با مثبت تفاوت چندانی ندارد؛ بنابراین مانند گونه مثبت، قیودی نظیر */red/* به فعل مضارع اضافه می‌شود بدون اینکه *n* انتهای شناسه‌های جمع حذف شود. البته در این ساخت از آنجا که با فعل منفی روبه‌رو هستیم، پیش از قیود مورد نظر پیشوند منفی‌ساز *mē-* نیز افزوده می‌شود تا معنای منفی نیز در ساختمان فعل وارد شود؛ برای مثال قید *red* (باید) در گونه منفی به صورت *mē-red* (نباید) در می‌آید. صیغه‌های فعل التزامی مضارع منفی از «کان» عبارت است از:

صرف «شَرِبَ» در عربی عربخانه (مضارع)	صرف «شَرِبَ» در عربی معیار (مضارع)	گوش عربخانه	معادل فارسی	
a-šrab	a-šrab-u	ana mē-red xarâb a- kun	من (مذکر و مؤنث) نباید بد	اول شخص مفرد (مذکر و

			باشم	(مؤنث)
t-ošrab	ta-šrab-u	enta mē-red xarâb et-kun	تو (مذکر) نباید بد باشی	دوم شخص مفرد مذکر
t-ošrab-ēn	ta-šrab-ina	ente mē-red xarâb et-kun-ēn	تو (مؤنث) نباید بد باشی	دوم شخص مفرد مؤنث
y-ošrab	ya-šrab-u	zâk mē-red xarâb ye-kun	او (مذکر) نباید بد باشد	سوم شخص مفرد مذکر
t-ošrab	ta-šrab-u	zič mē-red xarâb et-kun	او (مؤنث) نباید بد باشد	سوم شخص مفرد مؤنث
n-ošrab	na-šrab-u	eĥnâ mē-red xarâb en-kun	ما (مذکر و مؤنث) نباید بد باشیم	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
t-ošorb-un	ta-šrab-una	entow mē-red xarâb et-kun-on	شما (مذکر) نباید بد باشید	دوم شخص جمع مذکر
t-ošorb-an	ta-šrab-na	entan mē-red xarâb et-kun-an	شما (مؤنث) نباید بد باشید	دوم شخص جمع مؤنث
y-ošorb-un	ya-šrab-una	zâlok mē-red xarâb ye-kun-on	آنها (مذکر) نباید بد باشند	سوم شخص جمع مذکر
y-ošorb-an	ya-šrab-na	zâlanč mē-red xarâb ye-kun-an	آنها (مؤنث) نباید بد باشند	سوم شخص جمع مؤنث

نتیجه

با توجه به آنچه در مقاله آمده، روشن است که زبان عربی در زمان ماضی (کان، صار،...) و مضارع منفی (لیس) دارای گونه‌هایی از فعل اسنادی است؛ اما ساختمان فعلهای اسنادی در گویش عربخانه با این فعلهای اسنادی بسیار متفاوت است؛ به عبارت دیگر فعلهای عموم یا ناقص با شکلی که در عربی معیار کاربرد دارد در گویش عربخانه دیده نمی‌شود؛ یعنی چه از نظر آرایش واژگانی و چه از نظر کاربرد، افعال ناقص عربی «کان، صار و لیس» با فعلهای اسنادی عربخانه متفاوت است. دو فعل اخیر (صار و لیس) اصولاً در عربخانه به کار نمی‌رود. «کان» نیز با تحولات آوایی شدید، تنها

در برخی ساختهای اسنادی در انتهای جمله و در جایگاه فعل اسنادی فارسی به کار می‌رود.

آنچه به طور کلی دربارهٔ ساختمان افعال اسنادی در گویش عربی عربخانه می‌توان گفت این است که اغلب این فعلهای اسنادی کاملاً تحت تأثیر فعل اسنادی زبان فارسی و برخی از آنها نیز با توجه به برخی امکانات زبان عربی شکل گرفته است؛ اما در افعال منفی از افعال فارسی نمی‌شود. بر همین اساس در گویش عربخانه افعال اسنادی به این روشها ساخته می‌شود:

الف) فعل اسنادی در وجه خبری دارای چهار ساختمان است: ۱. فعل اسنادی فارسی ۲. ضمیر منفصل جانشین فعل اسنادی فارسی ۳. ترکیب فعل اسنادی فارسی و فعل عربی ۴. فعل «کان» عربی. فعل اسنادی فارسی تنها در زمان مضارع و برای اول و دوم شخص از مصدر «هستیدن» به کار می‌رود. ضمیر منفصل جانشین فعل اسنادی (هو، هی، هم، هن) تنها در مورد صیغه‌های سوم شخص مفرد و جمع به کار می‌رود؛ یعنی درست بر خلاف گونهٔ قبلی. ترکیب فعل اسنادی فارسی و فعل عربی در گویش عربخانه دو گونه دارد: گونهٔ اول: دوم شخص جمع (OW-)، گونهٔ دوم: «استیدن» در معنی «شدن» که از گونهٔ اول بسیار پیچیده‌تر است و صیغه‌های کاملتری نیز دارد. در این گونه، فعل «است» به همراه بخشهایی از فعل ماضی یا مضارع در معنای «شدن» به کار می‌رود. این گونه از فعل اسنادی در دو زمان ماضی و مضارع بررسی می‌شود؛ بدین ترتیب که فعل «کان»، جایگاه نحوی فعل اسنادی فارسی یعنی انتهای جمله را اشغال می‌کند. کاربرد فعل «کان» در این جایگاه را می‌توان دست‌کم در دو زمان ماضی ساده و ماضی نقلی بررسی کرد. گونهٔ ماضی سادهٔ آن به دو صورت تحول می‌یابد: ۱. کُن /kon/ ؛ ۲. چن /čen/. هر یک از این گونه‌ها با افزوده شدن شناسه‌های متناسب، صیغه‌های مختلف ماضی ساده را می‌سازد. «کُن» /kon/ برای صیغه‌های اول و دوم شخص به کار می‌رود و «چن» /čen/ برای صیغه‌های سوم شخص گونهٔ ماضی نقلی. ساختمان فعل همان ساختمان اسم فاعل است؛ بدین ترتیب برای ساخت ماضی نقلی اسنادی از فعل «کان» این فعل را بر وزن اسم «فاعل» بازسازی، (کائِن /kâ?en/ و با انواعی از تحول آوایی به صورت «چین» /čīn/ تلفظ می‌کنند. در فعل اسنادی خبری منفی (فعل نفی) تنها پیشوندی که برای فعل نفی به کار می‌رود، «ما» /mā/ است که در

گونه‌های مختلف این گویش به صورتهای مختلفی به کار می‌رود؛ اما علاوه بر این تفاوت در فعل اسنادی منفی، ساختمان فعل مضارع و ماضی نیز کاملاً با هم متفاوت و به دو گونه است: ۱. مضارع با استفاده از ضمایر ملکی ۲. ماضی با استفاده از فعل «کان» عربی. گونه ماضی خود دو گونه اول- دوم شخص با /kon/ و سوم شخص با /čen/ دارد.

ب) فعل اسنادی در وجه امری در گویش عربی عربخانه دو ساخت دارد: الف) فعل اسنادی فارسی (است)؛ ب) فعل «کان» عربی. فعل «کان» خود به دو صورت مثبت و منفی به کار می‌رود.

ج) فعل اسنادی در وجه التزامی با افزودن قیدهایی مانند šāyad (شاید) و momkenow (احتمالاً) به فعل مضارع، شکل می‌گیرد و مانند دو وجه پیشین، دو گونه دارد: ۱. فعل اسنادی فارسی (است)؛ ۲. فعل «کان» عربی.

فعل اسنادی فارسی (است) از نظر ساخت با ساختمان فعل مضارع اسنادی با /est/ تفاوت چندانی ندارد. فعل «کان» به دو صورت در ساخت التزامی به کار می‌رود: الف) مثبت ب) منفی. در این ساخت به دلیل یا دلایلی که روشن نیست، حرف مضارعۀ -t با نوعی تحول آوایی به صورت -et درآمده است. از سوی دیگر در ساختمان فعل التزامی منفی پیش از قیود مورد نظر پیشوند منفی‌ساز -mē نیز افزوده می‌شود تا معنای منفی نیز در ساختمان فعل وارد شود.

پی‌نوشت

1. language situation
2. linguistic phenomena
3. present tense
4. copula verb
5. null copula
6. past tense
7. present tense negative
8. imperative
9. verbal root
10. predicative sentence

11. sentence structure
12. verbal categories
13. system of gender
14. system of number
15. determinatives
16. morphology
17. order of sentence
18. syntax
19. level
20. linguistic element

۲۱. لازم است یادآوری شود که جمله‌هایی که با افعال مقاربه (نظیر کاد، اوشک و جز آن) ساخته می‌شود از این قاعده جدا است؛ چراکه خیر آنها لزوماً باید فعل مضارع باشد (شرتونی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۱۳) و بنابراین گرچه اسمیه به شمار می‌رود، اسنادی نیست؛ برای مثال: «کادتِ الشمسُ تطلع».

22. word order
23. generative syntactician
24. Christian Baghdad
25. final copula
26. predicate
27. Anatolian dialect of Siirt
28. system of mood
29. system of tense
30. system of voice
31. inflectional paradigm
32. dual
33. derivational opposition
34. final consonant cluster
35. anaptyctic

منابع

آذرنوش، آذرتاش؛ *آموزش زبان عربی*؛ ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
 آرلاتو، آنتونی؛ *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*؛ ترجمه یحیی مدرسی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.

- آموزگار، یوسف؛ *بررسی گویش عربی منطقه عربخانه و مقایسه آن با عربی کلاسیک*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حامد صدقی، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ۱۳۸۰.
- آموزگار، یوسف؛ «تاریخچه مختصر اعراب جنوب خراسان (منطقه عربخانه)»، دو فصلنامه پژوهشنامه فرهنگ و ادب؛ س ۴، ش ۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، ص ۱۷ تا ۴۹.
- آیتی، محمدحسین؛ *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
- احمدی گیوی، حسن؛ *دستور تاریخی فعل*؛ ۲ ج، تهران: قطره، ۱۳۸۰.
- استرآبادی، میرزا مهدی‌خان؛ *جهانگشای نادری*؛ به اهتمام عبدالله انوار؛ تهران: انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۴۱.
- افراشی، آریتا؛ *ساخت زبان فارسی*؛ تهران: سمت (سازمان تهیه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۸۹.
- بلاذری؛ *فتوح البلدان* (بخش ایران)؛ ترجمه آذرتاش آذرنوش؛ تهران: سروش، ۱۳۶۴.
- الجرام، علی؛ *مجمع اللغة العربیه*؛ ج ۷، قاهره، ۱۹۵۳.
- جرجانی، عبدالقاهر؛ *نحو میر*؛ تسهیل افضل دهمرده نژاد؛ تربت جام: شیخ احمد جام، ۱۳۸۰.
- حقوق‌شناس، علی محمد و دیگران؛ *دستور زبان فارسی*؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۸۵.
- حلیمی، احمد کمال‌الدین؛ *مقارنه بین النحو العربی و النحو الفارسی*؛ الكويت: الجامعه الكويت، ۱۹۹۳.
- السامرای، ابراهیم؛ *زبان‌شناسی تطبیقی*؛ ترجمه حسین سیدی؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶.
- سیدی، حسین؛ *رویکرد زبان‌شناختی به نحو عربی*؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۷.
- سیدی، حسین و اسماعیل جانی؛ «بررسی گویش عربی جنوب خراسان»، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد؛ ش ۱۶۳ (زمستان ۱۳۸۷).
- طیبیان، حمید؛ *برابرهایی دستوری در عربی و فارسی*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.



- عباسی، حبیب‌الله؛ «پیشینه تاریخی اعراب جنوب خراسان»، در *دیوار آفتاب* (خراسان شناسی)؛ تهران: روزگار، ۱۳۷۷، ص ۳۱ تا ۳۵.
- علی، صالح احمد؛ *مهاجرت قبائل عربی در صدر اسلام*؛ ترجمه هادی انصاری؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- غلامعلی‌زاده، خسرو؛ *ساخت زبان فارسی*؛ تهران: احیاء کتاب، ۱۳۸۰.
- کاظمی، محمد ایوب؛ *تاریخ عربخانه*؛ تهران: سیمای دوست، ۱۳۹۳.
- ماهوتیان، شهرزاد؛ *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*؛ ترجمه مهدی سمائی؛ تهران: مرکز، ۱۳۹۰.
- مهیاری، محمد؛ *فرهنگ دستوری*؛ تهران: میترا، ۱۳۷۶.
- میرنیا، علی؛ *ایل‌ها و طوایف عشایری خراسان*؛ تهران: نسل دانش، ۱۳۶۹.
- ناتل خانلری، پرویز؛ *دستور زبان فارسی*؛ تهران: بابک، ۱۳۶۳.
- _____؛ *تاریخ زبان فارسی*؛ ج ۳، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
- نحله، محمود احمد؛ *مدخل الی دراسة الجملة العربیة؛ دارالنهضة العربیة*، ۱۹۸۸.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ *دستور زبان فارسی ۱*؛ تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- همایونفرخ، عبدالرحیم؛ *دستور جامع زبان فارسی*؛ تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۴.
- Abu –Haidar, Farida; *Christian Arabic of Baghdad, Semitica viva Bd.7*; Wiesbaden: Harrassowitz, 1991.
- Ben-Mamoun, El-Abbas; *The Feature Structure of Functional Categories: A Comparative Study of Arabic Dialects*; Oxford Studies in Comparative Syntax, Oxford: Oxford University Press, 2000.
- Dahlgenn, Sven-Olof; “ a”, in *Linguistic Convergence and Areal Diffusion, Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic*, Ed. Eva Agnes Csato, Bo Isaksson and Carina Jahani; London: Routledge Curzon, 2005, pp. 161-172.
- Gazsi, Denes; “Arabic-Persian Language Contact”, in *The Semitic languages: An international handbook*, Edited by Stefan Weninger, Geoffrey Khan, Michael P. Streck, and Janet C. E. Watson; Berlin and Boston: De Gruyter Mouton, 2011, pp. 1015-1022.
- Ingham, Bruce; *'Afghanistan Arabic.'* In: *Versteegh, Kees, (ed.), Encyclopedia of Arabic Language and Linguistics*; Vol.1. Leiden, Boston: Brill, 2006, pp. 28-35.
- Jastrow, Otto; “Towards a reassessment of Uzbekistan Arabic”, In *Proceedings of the 2nd Conference of l'Association Internationale pour la*

Dialectologie Arabe. Held at Trinity College, University of Cambridge 10-14 September 1995; Cambridge: Cambridge University Press, pp.95-103.

_____ ; **Anatolian Arabic. Kees Versteegh (ed.): Encyclopedia of Arabic Language and Linguistics; Vol. I .BRILL Academic Publishers, 2006, pp. 86 – 96.**

_____ ; “Dialect differences in Uzbekistan Arabic and their historical implications”, in Olivier Durand, Angela Daiana Langone, Giuliano Mion (Eds.) *Alf lahga wa lahga*; Proceedings of the 9th Aida Conference (Neue Beihefte Zur Wiener Zeitschrift F R die Kunde Des Morge), United States: Lit Verlag, 2014, pp. 205-212.

_____ ; The position of Mardin Arabic in the Mesopotamian-Levantine dialect continuum. Arabic and Semitic Linguistics Contextualized A Festschrift for Jan Retsö, Wiesbaden: Harrassowitz, 2015, pp. 177 – 189.

Seeger, Ulrich; “Zwei Texte im Dialekt der Araber von Chorasán”, In: W. Arnold and H. Bobzin (eds.). *Sprich mit deinen Knechten Aramäisch, wir verstehen es!*, 60 Beiträge zur Semitistik Festschrift für Otto Jastrow zum 60. Geburtstag Harrassowitz Verlag · Wiesbaden, 2002, pp. 629-646.

Shaked, Sh.; “Classification of Linguistic Features in Early Judeo-Persian Texts”, *Exegisti monumenta, festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams*, Edited by Werner Sundermann, Almut Hintze and Francois de Blois, Harrassowitz Verlag, 2009, pp.449-462.

Watson, Janet, C. E.; “Arabic Dialects (general article)”, in *The Semitic languages: An international handbook* , Edited by Stefan Weninger, Geoffrey Khan, Michael P. Streck, and Janet C. E. Watson; Berlin and Boston: De Gruyter Mouton, 2011, pp.851-896.